



مدیریت آب و آبیاری

دوره ۱۲ ■ شماره ۲ ■ تابستان ۱۴۰۱

صفحه‌های ۴۲۵-۴۵۳

DOI: 10.22059/jwim.2022.342513.985

مقاله پژوهشی:

از حل تا تغییر ماهیت مناقشات آبی

- میلاذ جعفری^۱، سیده سیمین میرهاشمی دهکردی^۲، صدیقه نصری فخردادود^۳، حجت میان‌آبادی^۴، امینه قربانی^۵
 ۱. دانشجوی کارشناسی‌ارشد، گروه مهندسی و مدیریت آب، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
 ۲. دانشجوی دکتری، گروه مهندسی و مدیریت آب، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
 ۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.
 ۴. استادیار، گروه مهندسی و مدیریت آب، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
 ۵. دانشیار، گروه مهندسی سیستم و خدمات، دانشکده فناوری، سیاست و مدیریت، دانشگاه صنعتی دلفت، دلفت، هلند.
 تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

چکیده

وجود ذی‌مدخلان متعدد با منافع، هنجارها، اهداف و ارزش‌های متفاوت، مناقشه را به جزئی جدایی‌ناپذیر از سیستم‌های درهم‌تنیده آبی تبدیل کرده است. اثرگذاری مخرب و پیامدهای نامطلوب مناقشه بر سیستم‌های انسانی-طبیعی منابع آب، ضرورت انتخاب راه‌کار و روش مناسب به‌منظور مواجهه با مناقشات آبی را مبرهن کرده است. تاکنون روش‌ها و مدل‌های مختلفی مانند مدل‌های بهینه‌سازی-شبیه‌سازی، نظریه بازی‌ها، بازار آب، اشتراک منافع و وابستگی متقابل در مطالعات مناقشات آبی ارائه شده است. روش‌های مذکور در مطالعات متعددی برای مواجهه با مناقشه در حوضه‌های آبریز فروملی و فرامرزی مورد استفاده قرار گرفته‌اند اما راه‌کارها، راهبردها و سیاست‌های مطرح با استفاده از این روش‌ها در بسیاری از موارد منجر به مواجهه کارآمد با مناقشات آبی نشده است. تحلیل و شناسایی علل ناکارآمدی روش‌های مرسوم در حوزه مناقشات آبی منجر به شکل‌گیری پژوهش حاضر شده است. در این راستا، به تطبیق رویکردهای مطرح در حوزه مطالعات صلح و مناقشه با رویکردهای مبنا در مدل‌های مطالعات مناقشات آبی پرداخته می‌شود و میزان هم‌سویی روش‌های مرسوم در مواجهه با مناقشات آبی با تحولات صورت‌گرفته در مطالعات صلح و مناقشه واکاوی می‌شود. فرضیه مطرح در پژوهش حاضر این است که عدم هم‌سویی مبانی مطالعات مناقشات آبی با تحولات اخیر صورت‌گرفته در حوزه مطالعات صلح و مناقشه منجر به ایجاد ضعف‌های بنیادین در روش‌های مرسوم مواجهه با مناقشات آبی و عدم موفقیت در ایجاد همکاری در حوضه‌های آبریز مشترک شده است. به‌منظور آزمون فرضیه پژوهش از منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیل تطبیقی استفاده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تغییر ماهیت مناقشه، حل مناقشه، مناقشات آبی، مواجهه با مناقشه، همکاری آبی.

From water conflict resolution to water conflict transformation

Milad Jafari¹, Seyedeh Simin Mirhashemi Dehkordi², Sedigheh Nasri Fakhredavood³, Hojjat Mianabadi^{4*}, Amineh Ghorbani⁵

1. Master student, Water Engineering and Management Department, Faculty of Agriculture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

2. Ph.D. Candidate, Water Engineering and Management Department, Faculty of Agriculture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor, Political Science Department, Faculty of Literature and Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

4. Assistant Professor, Water Engineering and Management Department, Faculty of Agriculture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

5. Associate Professor, Engineering Systems and Services Department, Faculty of Technology, Policy and Management, Delft University of Technology, Delft, The Netherlands

Received: May 03, 2022

Accepted: July 01, 2022

Abstract

The existence of multiple stakeholders with different interests, norms, goals, and values has made conflict an inseparable part of complex water systems. The destructive effects of conflict and undesired consequences on human-natural water resources systems have highlighted the need to recognize the appropriate approach to deal with water conflicts. Various methods and models have been applied in water conflict studies so far - such as optimization-simulation, game theory, water market, benefit-sharing, and interdependence. Although these models have been applied in several studies addressing subnational and transboundary river basin conflicts, the proposed solutions, strategies, and policies using these models have not led to effective dealing with water conflicts in many cases. Analysis and identification of the causes of inefficiency of conventional models in the water conflict studies led to the formation of the present study. The basic approaches of water conflict studies models are compared with the approaches in peace and conflict studies, and, in this regard, the degree of alignment of conventional methods in dealing with water conflicts with the developments in peace and conflict studies are investigated. The research hypothesis is that the lack of alignment of the principles of water conflict studies with recent developments in peace and conflict studies has led to fundamental weaknesses in conventional methods of dealing with water conflicts and failure to cooperate in river basins. Library resources and comparative analysis methods are used to test the research hypothesis.

Keywords: Conflict Resolution, Conflict Transformation, Deal with Conflict, Water Conflict, Water Cooperation.

مقدمه

مناقشه^۱، فرایندی درهم‌تنیده^۲، پویا و چندبعدی است (Gallo, 2013; Kadera et al., 2020)، که در ارتباطی متقابل با سیستم‌های مختلف جامعه قرار دارد (Rummel, 1981). مناقشات در سیستم‌های آبی، حاصل اندرکنش متقابل و پویای مسائل مختلف اعم از مسائل طبیعی، اجتماعی، سیاسی-امنیتی، نهادی و اقتصادی هستند. وجود ذی‌مدخلان^۳ متعدد با منافع، هنجارها، اهداف و ارزش‌های متفاوت، مناقشه را به جزء جدایی‌ناپذیر سیستم‌های آبی مبدل کرده است (Ghoreishi et al., 2021a; Mirhashemi Dehkordi et al., 2019). افزون بر نگرش^۴ و ادراک متفاوت بازیگران مختلف در مدیریت منابع آب، عوامل دیگری نیز در ظهور، بروز و تشدید مناقشات آبی دخیل هستند که می‌توانند برای هر حوضه آبریز منحصر به فرد باشند. در بسیاری از مطالعات، کمیابی آب^۵ و تغییرات اقلیمی و مشکلات محیط‌زیستی به عنوان عوامل اصلی مناقشات آبی معرفی می‌شوند (du Plessis, 2017; Eckstein, 2009; Haddadin, 2001; Soubeyran, 2021; Tomini, 2012; Unfried et al., 2021). از سوی دیگر، پارادایم‌ها، رویکردها، مکاتب فکری و شیوه‌های حکمرانی و مدیریتی نیز می‌توانند در بروز و تشدید مناقشات آبی اثرگذاری قابل توجهی داشته باشند (Ilhan, 2009; Mirhashemi Dehkordi et al., 2022; Petersen-Perlman et al., 2017; Wolf et al., 2005; Yoffe et al., 2003). بی‌عدالتی در سیاست‌گذاری‌ها، نامناسب بودن سازوکارهای حکمرانی و عدم شفافیت ساختاری در تصمیم‌گیری‌ها از جمله عوامل دیگری هستند که می‌توانند سبب تشدید نارضایتی‌های جمعی و در نتیجه شکل‌گیری مناقشات آبی و اقدامات خشنوت‌آمیز شوند (Michel, 2020). لزوم مواجهه صحیح با مناقشات روزافزون آبی سبب شده است که پژوهش‌گران حوزه‌های مختلف از جمله

متخصصان حوزه آب، علوم سیاسی، علوم طبیعی و علوم اجتماعی همواره درصدد حل مشکلات در تعاملات مدیریت منابع آب مشترک و ارائه راه‌کارهایی جهت مواجهه با مناقشه^۶ و استقرار صلح^۷ در حوضه‌های آبریز مشترک در مقیاس‌های فرومی و فرامرزی باشند (Farajzade Arnesa et al., 2020; Vafaeifard et al., 2022). باوجود تلاش‌ها و پژوهش‌های گسترده صورت‌گرفته در مواجهه با مناقشات آبی، بسیاری از راه‌کارها و روش‌های پیشنهادی به‌طور نسبی در تسکین مناقشات ناکارآمد و ناموفق بوده‌اند (Mirhashemi et al., 2022). هدف از این پژوهش، واکاوی علت‌های موفقیت‌نبودن رویکردها، مدل‌ها و روش‌های مرسوم به‌منظور مواجهه با مناقشات آبی است. در راستای دستیابی به این هدف، میزان هم‌خوانی و هم‌گرایی رویکردها و مدل‌های مرسوم به‌منظور مواجهه با مناقشات آبی با رویکردها و مدل‌های نوین مواجهه با مناقشه در حوزه مطالعات صلح و مناقشه تحلیل و بررسی می‌شود. رویکردهای متعددی در حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات صلح و مناقشه برای مواجهه با مناقشه نظیر مدیریت مناقشه^۸، حل‌وفصل مناقشه^۹، حل مناقشه^{۱۰} و تغییر ماهیت مناقشه^{۱۱} ارائه شده است (Aiyede, 2006; Lederach, 2003; Sandole et al., 2009; Wallensteen, 2018). پژوهش حاضر، تحلیل هم‌سویی مطالعات مناقشات آبی با دو رویکرد حل مناقشه و تغییر ماهیت مناقشه است که به‌طور کلی به‌عنوان نسل دوم مواجهه با مناقشه شناخته می‌شوند (Richmond, 2001). بدین منظور، فرضیه پژوهش این است که به‌کارگیری رویکرد تغییر ماهیت مناقشه در قیاس با رویکرد حل مناقشه در مواجهه با مناقشات آبی کارآمدتر و مؤثرتر است. به‌منظور آزمون فرضیه مذکور و دستیابی به اهداف پژوهش از روش تحلیل تطبیقی و منابع کتابخانه‌ای استفاده می‌شود.

(Danilovic & Clare, 2007). نظریه‌های مبتنی بر لیبرالیسم در مواجهه با مناقشه، به‌طور کلی درصدد ایجاد وابستگی متقابل^{۱۳} و ساختار بندی اقتصادی و نهادی تعاملات بازیگران برای افزایش هزینه‌های مناقشه، جهت‌دهی به رفتار و انتخاب‌های ذی‌مدخلان و مهار اعمال قدرت یک‌جانبه از سوی بازیگران هستند (Heywood, 2011; Maoz, 2009).

سیاست‌ها و راهبردهای مواجهه با مناقشه در پارادایم لیبرالیسم بر ایجاد فرایندهای مردمی و تفکر پایین-بالا متمرکز است (Richmond, 2010; Schmid, 1968). تفکر پایین-بالا در فرایندهای مواجهه مردمی با مناقشه سبب تأکید رویکردهای مبتنی بر مبانی پارادایم لیبرالیسم بر کسب رضایت طرف‌های درگیر و مواجهه با علل بروز مناقشه از منظر جوامع مردمی است (Kriesberg et al., 1989; Nagheby, 2021). به‌عبارت دیگر، راهکارهای لیبرالیسم برای مواجهه با مناقشه بر ریشه‌یابی و شناخت عوامل بنیادین مولد مناقشه مانند عدم تحقق نیازهای اساسی، معضل امنیت انسانی، مسائل طولانی‌مدت و ریشه‌دار اجتماعی و سیاسی-امنیتی، مؤلفه‌های روان‌شناختی^{۱۴} و خشونت‌های ساختاری^{۱۵} و خشونت فرهنگی^{۱۶} متمرکز است (Azar, 1990; Richmond, 2002, 2010). از این‌رو، مواجهه با مناقشه در تفکر پایین-بالا از فرایندهای مختلف شامل شناسایی عوامل ناسازگاری^{۱۷} بین ذی‌مدخلان، ایجاد ارتباط بین مسائل نامطلوب در مناقشه، شناسایی ظرفیت‌های بالقوه برای ایجاد تغییرات سازنده در جوامع و ارائه راهکارهای برقراری تعاملات همکارانه بین بازیگران تشکیل می‌شود (Lederach, 2003; Richmond, 2001). در مجموع، پیش‌فرض اصلی رویکردهای مواجهه با مناقشه در تفکر مبتنی بر لیبرالیسم این است که مناقشه می‌تواند حل شود یا ماهیت مخرب^{۱۸} مناقشه به‌طوری سازنده تغییر کند (Richmond, 2001, 2002).

در راستای دستیابی به هدف پژوهش، در گام نخست، مبانی فکری و نظری مواجهه با مناقشه در رویکردهای حل مناقشه و تغییر ماهیت مناقشه تشریح می‌شود. سپس به معرفی، تحلیل، نقد و بررسی رویکردهای حل مناقشه و تغییر ماهیت مناقشه پرداخته می‌شود. در نهایت، به واکاوی بازتاب رویکردهای مذکور در مطالعات مناقشات آبی و تحلیل مبانی و میزان کارایی راهکارها، رویکردها و مدل‌های مرسوم در مواجهه با مناقشات آبی پرداخته خواهد شد.

مبانی نظری: دیدگاه مکتب فکری لیبرالیسم در مواجهه با مناقشه

شناخت مفاهیم و اصول «مواجهه با مناقشه» مستلزم تشریح پارادایم و مکتب فکری ناظر بر رویکردهای مواجهه با مناقشه است که تأثیر بسیار زیادی بر سیاست‌ها و راهبردهای مواجهه و تسکین مناقشه دارد (Robbins, 1978). ادبیات مطالعات صلح و مناقشه و در نتیجه رویکردهای مواجهه با مناقشه، طی سال‌های پس از جنگ سرد با تحولات بسیاری همراه بوده است. اهمیت هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی سیاست‌ها و راهبردهای مواجهه با مناقشه ایجاب می‌کند تا پارادایم‌های فکری به‌عنوان مبانی فلسفی هر دو رویکرد حل و تغییر ماهیت مناقشه تشریح شود (Richmond, 2002). فلسفه مواجهه با مناقشه در پارادایم لیبرالیسم، فضای روابط بین بازیگران را خوش‌بینانه، خیرخواهانه و همکارانه تصور می‌کند و درصدد استقرار صلح مردمی و پایین-بالا در بازه‌های زمانی بلندمدت از طریق جایگزینی روابط قدرت‌طلبانه با تعاملات صلح‌آمیز است (Schmidt, 2002). شکل‌دهی به روابط همکارانه، در بستری از قوانین، هنجارهای مشترک، مقررات نهادی و رژیم‌های همکارانه بین‌المللی از طریق ایجاد تعامل بین سطوح مختلف حکمرانی تصور می‌شود

تحولات نوین مواجهه با مناقشه: از حل تا تغییر ماهیت مناقشه

اگرچه مفهوم مناقشه کاربرد گسترده و فراگیری در علوم مختلف دارد، اما تاکنون اجماع نظری درخصوص این مفهوم انتزاعی حاصل نشده است (Dehghani, 2003). از این رو، دیدگاه‌ها و تعاریف متعددی براساس مکاتب فکری و فلسفی مختلف به منظور تشریح چستی مناقشه ارائه شده است (Ghorbani, 2014). با وجود تفاوت‌های قابل توجه در تعریف مفهوم مناقشه، ناسازگاری ذی‌مدخلان در اهداف، منافع، ارزش‌ها و هنجارها به‌عنوان مبنا و وجه اشتراک اکثر تعاریف ارائه شده است (Farajzade Arnesa et al., 2020). ناسازگاری می‌تواند ریشه در عوامل اجتماعی- روان‌شناختی داشته باشد. ناسازگاری بین ذی‌مدخلان به‌عنوان نقطه آغاز فرایند شکل‌گیری مناقشه، می‌تواند منجر به شکل‌گیری رقابت بین بازیگران، بروز اقدامات مناقشه‌برانگیز از سوی ذی‌مدخلان به‌صورت آشکار^{۱۹} یا پنهان^{۲۰} برای پیشبرد اهداف خود شود (Brahm, 2003; Hussein & Al-Mamary, 2019).

درک صحیح و مناسب از مفهوم مناقشه، اثر جدی بر اتخاذ رویکرد مناسب مطالعه و مواجهه با مناقشه دارد. از سوی دیگر، نحوه تحلیل ویژگی‌های مناقشه، اثرگذاری قابل‌توجهی بر درک مفهوم مناقشه دارد (Lyamouri, 2002). بر این اساس، شناخت ویژگی‌های مناقشه، اثرگذاری جدی بر رویکردهای مواجهه با مناقشه دارد. ویژگی‌های متفاوتی از سوی پژوهش‌گران حوزه‌های مختلف برای واکاوی مفهوم مناقشه ارائه شده است. ویژگی‌های مذکور در طول تاریخ براساس تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی در جوامع مختلف و با هدف کسب شناخت ملموس‌تر از ماهیت مناقشه تحول یافته‌اند. مخرب/ سازنده بودن مناقشه از جمله ویژگی‌های

قابل‌توجه به‌منظور بررسی ماهیت مناقشه است (Farajzade Arnesa, 2019). مطالعات و دیدگاه‌های مطرح برای تبیین ماهیت مناقشه، پیش از دهه ۱۹۴۰ میلادی بر مخرب‌بودن مطلق مناقشه متمرکز بودند. به‌عبارت دیگر، در این بازه زمانی پژوهش‌گران بر این باور بودند که مناقشه همیشه مخرب است و عواقبی نامطلوب را همراه دارد. در این رابطه بنا بر دیدگاه سنتی (۱۹۴۰-۱۹۳۰)، همواره باید از شکل‌گیری مناقشه و آثار مخرب آن اجتناب کرد. این در حالی است که تحول دیدگاه‌های فلسفی در شناخت مناقشه، منجر به پیدایش درک جدیدی از ماهیت مناقشه در مقایسه با دیدگاه اولیه و سنتی شد. با ظهور دیدگاه روابط انسانی^{۲۱} یا دیدگاه معاصر (۱۹۷۰-۱۹۴۰)، مخرب‌بودن مطلق مناقشات و لزوم حذف مناقشات از سیستم‌های انسانی نفی شد و مناقشه به‌عنوان پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر از تعاملات انسانی معرفی شد و به‌طوری‌که مناقشه می‌تواند ماهیتی سازنده داشته باشد و منجر به بهبود عملکرد انسان‌ها نیز شود (Hussein & Al-Mamary, 2019). بر این اساس، مناقشات نه تنها همیشه مخرب نیستند بلکه می‌توان آن‌ها را از حالت مخرب به حالت سازنده و همکاری نیز تبدیل کرد.

آشکار/ پنهان بودن مناقشه و عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری این فرایند نیز از ویژگی‌های اصلی به‌منظور درک و واکاوی ماهیت مناقشه است (Farajzade Arnesa, 2019). براساس دیدگاه‌های نوین مطرح در مطالعات صلح و مناقشه، هر مناقشه‌ای از دو بخش آشکار و پنهان تشکیل شده است (Galtung, 1996a). بخش آشکار مناقشه، قابل‌شهود است و بازیگران و ذی‌مدخلان دخیل در مناقشه نسبت به آن آگاه هستند، اما کسب آگاهی در مورد بخش‌های پنهان، از طریق استنتاج حاصل می‌شود. نگرش‌ها و تناقض‌ها^{۲۲} به‌عنوان مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری لایه‌های پنهان مناقشه مطرح شده‌اند که در

مناقشه و بازنگری در نتایج حین وقوع مناقشه ضروری است (Lyamouri-Bajja *et al.*, 2002). به طور کلی، پویایی مناقشه از سه عامل شامل پویایی تعاملات بازیگران، پویایی شرایط حاکم بر مناقشه و پویایی تغییرات محیطی تأثیر می‌پذیرد (Jones & Metzger, 2016). به منظور تبیین تفاوت بین دو ویژگی مذکور به بررسی ایستایی و پویایی در مناقشات بین دو بخش معدن و کشاورزی در کشور شیلی پرداخته می‌شود. وابستگی قابل توجه فعالیت‌های مرتبط با معدن به منابع آب و زمین منجر به شکل‌گیری رقابت بین ذی‌مدخلان بخش معدن و کشاورزی بر سر میزان دسترسی به منابع آب در بخش‌هایی از کشور شیلی شده است. در صورت ایستادگی فرض کردن مناقشات آبی بین دو بخش معدن و کشاورزی، می‌توان ادعا کرد که مناقشات به مقطع زمانی خاصی محدود هستند و پس از گذشت بازه زمانی خاصی، مناقشه و اختلاف‌نظری بر سر نحوه تقسیم و تخصیص منابع آب بین بخش‌های معدن و کشاورزی وجود نخواهد داشت و رابطه بین طرف‌های درگیر در مناقشه، مستحکم شده است (Bond, 2014). این در حالی است که عوامل داخلی و بیرونی مانند ترکیب کارگران و مدیریت معدن، ترکیب کشاورزان فعال، شرایط هیدرولوژیکی منطقه و ساختارهای اجتماعی-اقتصادی ذی‌مدخلان همواره در حال تغییر است. پویایی وضعیت، امکان بروز مجدد مولدهای مناقشه و شکل‌گیری اختلاف نظر بین دو بخش مذکور و در نتیجه پویایی مناقشه را فراهم می‌کند (Bond, 2014).

بررسی صورت‌گرفته نشان می‌دهد که با توسعه نظری مطالعات صلح و مناقشه، شناخت کامل‌تری از مفهوم درهم‌تنیده مناقشه و ویژگی‌های آن حاصل شده است که بازتاب آن در رویکردهای مواجهه با مناقشه قابل‌رؤیت است. بر این اساس، در ادامه ویژگی‌های مناقشه (آشکار/نهان بودن

قالب رفتار طرف‌های درگیر بروز می‌کنند (Galtung, 1996b, 1996a; Mirhashemi Dehkordi *et al.*, 2022). عوامل مؤثر متعددی هم‌چون هویت‌های فردی و گروهی، احساسات، ارزش‌ها، منافع، نیازها، مطالبات، ادراک شخصی، انتظارات پنهان و مسائل حل‌نشده از گذشته بر شکل‌گیری نگرش‌ها و تناقض‌ها در بخش پنهان مناقشه اثرگذار هستند (The Law Reform Commission, 2008) و در ارتباطی متقابل، درهم‌تنیده و پویا با بخش آشکار و قابل‌رؤیت مناقشه قرار دارند (Dugan, 1996). به عنوان مثال، میزان انتقال آب از جمله دلایل آشکار اثرگذار بر مناقشات آبی بین استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی در ارتباط با انتقال آب زرينه‌رود به تبریز است، اما نتایج پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه بیانگر اثرگذاری غیرقابل اغماض عوامل پنهانی مانند محرومیت نسبی^{۲۳} سیاسی استان آذربایجان غربی نسبت به استان آذربایجان شرقی است. به عبارتی، محرومیت نسبی سیاسی استان آذربایجان غربی در قیاس با استان مجاور، به عنوان عاملی پنهان در قالب مناقشات آبی بین دو استان بروز یافته است (Farajzade Arnesa, 2019).

ویژگی ایستایی/پویایی مناقشه نیز اثرگذاری قابل‌توجهی بر درک ماهیت مناقشه دارد (Farajzade Arnesa, 2019). ویژگی ایستایی بر محدود بودن مناقشه به مقطع زمانی خاصی دلالت می‌کند (Pruitt *et al.*, 2003). در این دیدگاه، ماهیت مناقشه محدود به وضعیت، شرایط یا زمان مشخص است و مناقشه به عنوان یک رویداد مقطعی محسوب می‌شود. این در حالی است که در دیدگاه پویایی مناقشه، مناقشه به مثابه فرایندی تطورگرا^{۲۴} است (Jones & Metzger, 2016)، که شرایط حاکم بر آن همواره در حال تغییر است (Lyamouri-Bajja *et al.*, 2002). بر اساس این دیدگاه و ضمن پذیرش بروز تغییرات مداوم در فرایند مناقشه، تداوم در تحلیل

ارائه راه‌حل‌های فوری برای کاهش اثرات یا حذف عوامل مناقشه‌آمیز در تعاملات ذی‌مدخلان و ایجاد روابط جدید و ماندگار بین طرف‌های درگیر در مناقشه است (Fisher *et al.*, 2001; Lederach, 2003; Wallensteen, 2018).

رویکرد حل مناقشه با پذیرش نظریه‌های مواجهه با مناقشه در پارادایم لیبرالیسم، درصدد بهره‌گیری از روش‌های اقتصادی نظیر تجارت آزاد (Braddon, 2012; Turner, 2008)، اشتراک منافع^{۲۵} (Cernea, 2008; Parks, 2020) و وابستگی متقابل با نگاه‌های اقتصادی (Beriker, 1997; Maoz, 2009; McMillan, 2008) به‌منظور گسترش درهم‌تنیدگی روابط بین بازیگران است تا احتمال صلح‌سازی^{۲۶} و شکل‌گیری همکاری بین طرف‌های درگیر افزایش یابد. رویکرد حل مناقشه براساس نظریه انتخاب عقلانی ابزاری^{۲۷}، بازیگران مناقشه را از منظر انگیزه‌های اقتصادی، بازیگرانی با رفتار عقلانی تصور می‌کند و هدف آن‌ها را نیز حداکثرسازی منافع و به حداقل رساندن زیان ناشی از اقدامات می‌داند (Foley, 2004; Johnson, 2008; Richmond, 2002). از این رو، این رویکرد با ارائه راه‌کارهای اقتصادی، درصدد جهت‌دهی عقلانی به انتخاب‌های بازیگران است تا عوامل مناقشه‌آمیز تعاملات طرف‌های درگیر در مناقشه حذف شود، روابط همکارانه و پایدار جایگزین مناقشه شود و از ظهور مجدد مناقشه جلوگیری کند (Mirhashemi Dehkordi *et al.*, 2021b). از منظر رویکرد حل مناقشه، برقراری روابط تجاری و ایجاد وابستگی متقابل بین بازیگران به نحوی که اولویت‌ها و ارجحیت‌های بازیگران را در زمینه اقتصادی مرتفع سازد، می‌تواند سبب بهبود روابط در اکثر ابعاد و جنبه‌های تعاملی بین بازیگران شود و روابط همکارانه جدید تا زمانی ادامه خواهد داشت تا منافع متقابل طرف‌های درگیر حاصل شود (Braddon, 2012; Shirayev, 2019).

مناقشه، مخرب/سازنده‌بودن مناقشه و ایستا/پویا بودن مناقشه در دو رویکرد حل مناقشه و تغییر ماهیت مناقشه بررسی می‌شود و ویژگی‌های مذکور مبنای تحلیل این دو رویکرد در مواجهه با مناقشات آبی قرار می‌گیرند.

رویکرد حل مناقشه

رویکرد حل مناقشه در دوره ۱۹۵۰ ظهور کرد (Darbandsari *et al.*, 2020; Kriesberg, 1997). اصول رویکرد حل مناقشه بر لزوم درک عوامل مناقشه‌برانگیز و ارائه راه‌کارهای منصفانه و منطقی در مواجهه با مناقشه تأکید می‌کند (Nagheebay, 2021). هدف از این رویکرد، ارائه راه‌کارهای مبتنی بر پذیرش و رضایت طرف‌های درگیر در مناقشه است که در موفقیت حل مناقشه اثرگذار است (Azar & Burton, 1986). هم‌چنین، مبانی رویکرد حل مناقشه علاوه بر ضرورت دستیابی به رضایت، بر حذف عوامل مولد مناقشه نیز تأکید می‌کند (Reimer *et al.*, 2015). به‌عبارت دیگر، تلاش رویکرد حل مناقشه، ارائه راه‌کارهایی برای حذف عوامل مناقشه‌آمیز از سیستم است تا از این طریق، روابط جدید و مبتنی بر همکاری بین بازیگران ایجاد کند (Bond, 2014). فرایند حل مناقشه در صورتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که راه‌کارهای پیشنهادی از نظر تمامی بازیگران منصفانه، منطقی و قابل‌پذیرش تلقی شوند (Mianabadi *et al.*, 2014). در مجموع، رویکرد حل مناقشه با ارائه راه‌کارهای مواجهه از طریق تأمین منافع اقتصادی، درصدد جهت‌دهی عقلانی به انتخاب‌های بازیگران هستند تا عوامل مناقشه‌آمیز تعاملات طرف‌های درگیر در مناقشه حذف شود، روابط همکارانه و پایدار جایگزین مناقشه شود و از ظهور مجدد مناقشه جلوگیری کند (Mirhashemi Dehkordi *et al.*, 2021b). بنابراین از یک‌سو در صدد شناسایی دلایل بروز ناسازگاری میان ذی‌مدخلان است و از سوی دیگر به‌دنبال

روش‌های حل مناقشه

حل مناقشه به‌طور عمده مبتنی بر تعاملات تجاری و اقتصادی بین بازیگران است (McDonald, 2004). به‌طور کلی، می‌توان رویکردهای متفاوت در تعاملات اقتصادی برای حل مناقشه متصور شد. برای مثال، رویکرد اول، تجارت کالا و منابع در ازای کسب منافع اقتصادی است. در این رویکرد، منابع مورد نیاز برای فعالیت‌های اقتصادی یا کالاهای مورد نیاز بازیگران براساس سازوکارهای بازار آزاد بین بازیگران مبادله می‌شود (Allan & Mirumachi, 2010; Coase, 1960; Nigatu & Dinar, 2011). شکل‌گیری تجارت باعث تخصیص بهتر منابع بین بازیگران براساس قواعد بازار و مرتفع شدن نیاز آن‌ها به کالاها و محصولات می‌شود که به‌طور بالقوه منجر به تغییر در الگو روابط و کاهش مناقشه می‌شود (Cali, 2014). در رویکرد دیگر، اشتراک منافع به‌جای اشتراک منابع مورد توجه قرار می‌گیرد. در این رویکرد، بازیگران به‌جای تمرکز بر تقسیم منابع مشترک، می‌توانند منافع اقتصادی حاصل از بهره‌برداری از منابع را با یکدیگر به اشتراک بگذارند که منجر به بهبود وضعیت اقتصادی بازیگران و کاهش عوامل مولد مناقشه شود (Cernea, 2008). سازوکارهای اشتراک منافع بین بازیگران می‌تواند ظرفیت کاهش مناقشه و افزایش همکاری بین بازیگران در مدیریت منابع مشترک را به‌وجود آورد (Philips & Woodhouse, 2009; Tayia & Madani, 2017).

روش‌های اقتصادی-تجاری مبتنی بر قواعد بازار و تجارت آزاد و اشتراک منافع سبب ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی بین بازیگران و دستیابی آن‌ها به منافع اقتصادی مطلوب می‌شود و تسهیل‌کننده فرایند مواجهه و در نتیجه حل مناقشه می‌شود (Tayia, 2019).

مناقشه در رویکرد حل مناقشه است. روش‌های بهینه‌سازی-شبیه‌سازی با این پیش‌فرض که مناقشه به‌دلیل عدم موفقیت در تخصیص منصفانه و معقول منابع مشترک شکل می‌گیرد (Böhmelt et al., 2014)، در صدد ارائه راه‌کارهای تخصیص بهینه با هدف حداکثرسازی منافع اقتصادی و یافتن «بهترین راه‌حل» برای حل مناقشه هستند (Naghdi et al., 2021; Yu & Lu, 2018). بهینه‌سازی با محاسبات و فرمول‌بندی‌های ریاضی مبتنی بر نظریه انتخاب عقلانیت ابزاری، در صدد ارائه بهترین جواب برای دستیابی به حداکثر ظرفیت ممکن سیستم برای مواجهه با مناقشه است (Loucks & van Beek, 2017; Reed & Kasprzyk, 2009). از جمله کارکردهای روش بهینه‌سازی، تعیین راه‌کارهای امکان‌پذیر است که در فضای بین محدودیت‌ها و پیش‌فرض‌های مدل‌سازی سیستم قرار می‌گیرند (Matousek & Gärtner, 2007). مجموعه راه‌کارهای امکان‌پذیر می‌تواند به‌عنوان ورودی مدل در روش‌های شبیه‌سازی مورد استفاده قرار گیرد تا با بهره‌گیری از سناریوهای «چه می‌شود-اگر»^{۲۸} راه‌کارها و سیاست‌های ممکن مواجهه با مناقشه شناسایی و ارزیابی شوند (Berends & Romme, 1999; Malcolm, 1958). به‌طور کلی، روش‌های مبتنی بر بهینه‌سازی-شبیه‌سازی مدعی‌اند که بهترین راه‌کار ممکن برای مواجهه با مناقشه را بر مبنای انگیزه‌های عقلانیت ابزاری بازیگران به‌منظور حداکثرسازی سود و منافع اقتصادی ارائه می‌دهند.

نظریه بازی‌ها از دیگر روش‌های اثرگذار در رویکرد حل مناقشه است (Oliva & Charbonnier, 2016). نظریه بازی‌ها با دو شیوه همکارانه^{۲۹} (ائتلاف بازیگران برای دستیابی به دستاوردهای جمعی و مشترک) و غیرهمکارانه^{۳۰} (استقلال بازیگران از جامعه در تصمیم‌گیری) (Hamidi et al., 2016)، به تحلیل و ارائه گزینه‌های حل مناقشه بین بازیگران براساس معیارهای

تحولات فلسفی نوین، به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر و غیرقابل حذف از سیستم‌های انسانی شناخته می‌شود (Mirhashemi Dehkordi et al., 2021a; Robbins, 1978)، که با دیدگاه‌ها و مبانی شناختی رویکرد حل مناقشه در تناقض است. بر این اساس، نقد نخست وارد بر این رویکرد، تضاد میان ویژگی درهم‌تنیدگی مناقشه و تأکید بر «حل دائمی مناقشه» است. رویکرد حل مناقشه متصور است که مداخله و تلاش برای حذف عوامل مناقشه‌برانگیز، شدت مناقشه را کاهش می‌کند و از بروز مجدد مناقشه جلوگیری می‌کند (Brahm, 2003). با این وجود، چنین تصویری با انتقاداتی مواجه است؛ زیرا مناقشاتی که در محیط اجتماعی منحصربه‌فرد به‌طور طولانی‌مدت و مکرر دیده می‌شوند، نشان می‌دهند که با وجود کاهش شدت مناقشه، ظهور مجدد مناقشه امکان‌پذیر است (Azar et al., 1978; Miall, 2004). در مقابل، مفهوم مناقشه در نظریه‌های نوین حوزه مطالعات صلح و مناقشه، حاصل توالی مسائل و پویایی رخدادهای مناقشه‌آمیز است (Lederach, 2003). به‌عبارت دیگر، ضمن مواجهه صحیح با مناقشه، شدت مناقشه به‌طور موقت کاهش می‌یابد. دیدگاه‌های نوین مواجهه با مناقشه بیان می‌کند که مناقشه پس از تسکین موقت می‌تواند دوباره تشدید شود و عواقب نامطلوب آن در بستر جوامع پیرامونی ظاهر شود و فرایند مواجهه با مناقشه را برخلاف تصور ایستای رویکرد حل مناقشه، به فرایندی بلندمدت تبدیل کند. در مجموع، تکامل شناخت ماهیت مناقشه نشان می‌دهد که رویکرد حل مناقشه مبتنی بر مخرب‌بودن و عدم‌ظهور مجدد مناقشه، دیدگاه نادرستی به مناقشه دارد. در واقع، امکان حل دائمی مناقشه و حذف مسائل از سیستم به‌طور واقعی وجود ندارد و نمی‌توان از ظهور مجدد مناقشه جلوگیری کرد (Mirhashemi Dehkordi et al., 2021b).

انتخاب عقلانیت ابزاری می‌پردازد (Myerson, 1997; Rapoport, 1974). مواجهه با مناقشه در نظریه بازی‌ها، مبتنی بر پیش‌بینی انتخاب‌ها و ارجحیت‌ها بازیگران در قالب معادلات ریاضی صورت می‌گیرد (Fang et al., 1993). به‌طورکلی، ابعاد مناقشه در نظریه بازی‌ها با معیارهای اقتصادی و منافع کوتاه‌مدت بازیگران سنجیده می‌شود (Myerson, 1997). فرض اساسی در پیش‌بینی انتخاب‌های بازیگران در مناقشه، تصور رفتار عقلانی بازیگران به‌منظور دستیابی به حداکثر منافع اقتصادی و بهترین نتیجه از سوی بازیگران در مواجهه با مناقشه است. بر این اساس، کسب موفقیت هر بازیگر به واکنش سایر بازیگران وابسته است. در این فرایند، بازیگران سعی می‌کنند با پیش‌بینی انتخاب‌های سایر بازیگران براساس معیارهای عقلانی، بهترین راه‌حل را از بین گزینه‌های موجود برای مواجهه با مناقشه برگزینند (Mirhashemi Dehkordi & Mianabadi, 2021). همان‌طورکه اشاره شد عمده روش‌های مواجهه در رویکرد حل مناقشه مبتنی بر معیارها و پیش‌فرض‌های عقلانیت ابزاری است تا از طریق ایجاد تعاملات تجاری و کسب دستاوردهای اقتصادی، مناقشه بین بازیگران را حذف و روابط همکاری را جایگزین آن‌ها کند.

نقد‌های رویکرد حل مناقشه

رویکرد حل مناقشه با نقدهای مختلفی روبه‌رو است که به‌طور عمده، سبب عدم موفقیت این رویکرد در مواجهه با مناقشه شده است. دلایل ضعف رویکرد حل مناقشه در عمل، به‌دلیل نوع نگاه ناقص و نادرست این رویکرد نسبت به ماهیت مناقشه و راه‌کارهای مواجهه با مناقشه است (Mirhashemi Dehkordi et al., 2022). مناقشه پدیده‌ای درهم‌تنیده است که سیستم‌های انسانی-طبیعی به‌طور ذاتی و طبیعی با آن درگیر هستند. لذا مناقشه در

سیاسی-امنیتی امکان‌پذیر نباشند و نتوانند سبب کاهش شدت مناقشه شود (Dugan, 1996; Lederach, 2003). عوامل ساختاری مناقشه و الگوهای فرهنگی-اجتماعی تعاملات بازیگران، علل ریشه‌ای مناقشه را تشکیل می‌دهند که در رویکرد حل مناقشه بررسی نمی‌شود (Dugan, 1996; Miall, 2004). ضرورت شناخت کل‌گرایانه‌تر و عمیق‌تر برای شناخت و مواجهه مناسب، باعث ارائه رویکرد تغییر ماهیت مناقشه و تحول گفتمان مطالعات صلح و مناقشه برای جایگزینی و رفع نقدهای وارد بر دیدگاه رویکرد حل مناقشه شد.

رویکرد تغییر ماهیت مناقشه

رویکرد تغییر ماهیت مناقشه در پاسخ به انتقادات مطرح به رویکرد حل مناقشه توسعه یافت و با تغییر در گفتمان غالب مواجهه با مناقشه از بازه زمانی حدودی اواخر دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی (Kriesberg, 1997; Richmond, 2002)، به رویکرد مبنای مطالعات صلح و مناقشه تبدیل شد. رویکرد تغییر ماهیت مناقشه درصدد شناخت و واکاوی عوامل پنهان و ریشه‌ای مناقشه، ایجاد فرایند تغییرات سازنده در بستر شکل‌گیری مناقشه و روابط بین‌ذی‌مدخلان به منظور ایجاد ظرفیت ارائه مستمر راه‌کارهای مواجهه با مناقشه و حصول نتایج مثبت از تعاملات انسانی است (Lederach, 2003). رویکرد تغییر ماهیت مناقشه با هدف دستیابی به انصاف و عدالت اجتماعی در فرایند مواجهه با مناقشه، بر لزوم درک عمیق از ماهیت و عوامل ریشه‌ای مؤثر بر مناقشه نظیر شناسایی عوامل اجتماعی، روان‌شناختی، ساختاری و فرهنگی، ارزیابی فرایند شکل‌گیری قدرت ذی‌مدخلان و ارائه راه‌کارهای منصفانه برای برساخت^{۳۱} مجدد هویت‌ها و منافع در قالب گفتمان‌های هنجاری^{۳۲} مشترک بین بازیگران تأکید می‌کند (Nagheebay, 2021).

با وجود تلاش رویکرد حل مناقشه برای حذف عوامل مناقشه‌برانگیز از بستر تعاملی و ایجاد همکاری بین بازیگران، توجه اصلی این رویکرد بر انگیزه‌ها، ارزش‌ها و مسائل اقتصادی (عوامل آشکار مناقشه) متمرکز است و عمده راه‌کارهای مواجهه با مناقشه را نیز در ایجاد شرایط همکاری‌های اقتصادی-تجاری محدود می‌کند. به بیان دیگر، ضعف جدی این رویکرد توجه بیش از حد بر عوامل آشکار مناقشه (ابعاد اقتصادی) است که باعث مغفول ماندن نقش سایر جنبه‌های سیاسی-امنیتی، فرهنگی، اجتماعی و هویتی مؤثر در مواجهه با مناقشه (عوامل پنهان مناقشه) می‌شود (Müller & Dieng, 2000; Syll, 2018). بر این اساس، تحلیل‌های مستخرج از رویکرد حل مناقشه، تقلیل‌گرایانه و ساده‌انگارانه هستند که با ماهیت درهم‌تنیده مناقشه در تضاد است (Miall, 2004). بهره‌گیری از رویکرد حل مناقشه می‌تواند بسیاری از جنبه‌های مناقشه را مانند مسائل و اختلاف‌های عمیق در بسترهای ساختاری و تاریخی پنهان کند (Clapham, 1998) و سبب در نظرنگرفتن بخشی از ابعاد پنهان اثرگذار بر پایداری، تشدید و تسکین مناقشه شود (Zeitoun & Mirumachi, 2008). به‌عنوان مثال، بهینه‌سازی و توزیع منابع بین بازیگرانی که بر مسائل هویتی و فرهنگی تأکید دارند (Reed & Kasprzyk, 2009)، ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی در شرایطی که ذی‌مدخلان درگیر اختلافات سیاسی و امنیتی شدید هستند (Mansfield & Pollins, 2001, 2003) یا شکل‌دهی بازار و تجارت آزاد در بستری که اختلافات ساختاری وجود دارد (Tayia, 2019)، ممکن است نه تنها به تسکین مناقشه منجر نشود؛ بلکه منجر به تشدید مناقشه نیز شود. لحاظ‌نکردن کل‌گرایانه عوامل مؤثر بر مناقشه در رویکرد حل مناقشه، باعث ارائه راه‌کارها و ابزارهایی برای مواجهه با مناقشه می‌شود که ممکن است از نظر اجتماعی، فرهنگی، ساختاری و

پرسش اصلی در رویکرد تغییر ماهیت مناقشه، چگونگی تغییر شرایط مخرب به‌عنوان «تهدید» و ایجاد وضعیتی سازنده به‌عنوان «فرصت» است. در فرایند دستیابی به ماهیت سازنده در مناقشه، مجموعه‌ای از عوامل مانند اهداف و منافع، پیش‌فرض‌ها و ادراک، مواضع و نگرش‌ها، رفتار و نوع روابط بین بازیگران اثرگذار هستند (Cuppen, 2012; Deutsch, 1973). رویکرد تغییر ماهیت مناقشه درصدد است تا بستری برای تعامل سازنده بین بازیگران ایجاد کند تا آن‌ها دیدگاه‌ها و پیش‌فرض‌های سایر بازیگران را درک کنند و به بیان صریح ادعاها، استدلال‌ها و اهداف خود بپردازند (Cuppen, 2012). در چنین شرایطی، سطح آگاهی جمعی بازیگران درباره مسائل، روابط متقابل و مشارکت در فرایند مواجهه با مناقشه افزایش می‌یابد که می‌تواند باعث بیان ایده‌های خلاقانه^{۳۴} و رضایت‌بخش مواجهه با مناقشه شود و احتمال موفقیت‌آمیز بودن مداخلات را تقویت کند (Deutsch, 1973; Deylami, 2021).

علاوه بر بسترهای فرهنگی و اجتماعی، پایداری و تشدید مناقشه براساس رویکرد تغییر ماهیت مناقشه، به عوامل ساختاری مناقشه نیز وابسته است و ارتباط نزدیکی با نیازهای اساسی و سازوکارهای ساختاری و نهادی دارد (Abrams, 1988; Galtung, 1979, 1996b; Loadenthal, 2018). ابعاد پنهان و ساختاری، نقش قابل‌توجهی در شناخت، تحلیل و مواجهه با مناقشه دارند. عوامل ساختاری مناقشه می‌توانند رفتار ذی‌مدخلان مناقشه را شکل دهند و نوع احساسات و مواضعی که نسبت به سایر بازیگران مناقشه دارند را جهت‌دهی کنند. به همین دلیل، رویکرد تغییر ماهیت مناقشه در کنار عوامل اجتماعی-روان‌شناختی، به ابعاد و عوامل ساختاری مناقشه نیز توجه ویژه‌ای دارد (Galtung, 2004; Lederach, 2003). عوامل ساختاری از علل اصلی بروز، پایداری و تشدید مناقشه

تحول اساسی رویکرد تغییر ماهیت مناقشه، شکل‌گیری روش‌های کل‌گرایانه‌تر و عمیق‌تر نسبت به رویکرد حل مناقشه و توجه به عوامل ریشه‌ای در جهت شناخت ذات و ماهیت مناقشه است (Lederach, 1997, 2003). رویکرد تغییر ماهیت مناقشه، ذات مناقشه را روان‌شناختی، زیست‌جامعه‌شناسانه^{۳۳} و برخاسته از ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌داند (Isard, 1992). تصور ذات زیست‌جامعه‌شناسانه در رویکرد تغییر ماهیت مناقشه منجر به تلاش برای شناخت الگوهای رفتاری در محیط فرگشتی محیط طبیعی می‌شود. از این‌رو، روش‌های تحلیلی رویکرد تغییر ماهیت مناقشه در صدد شناخت ذات و ماهیت مناقشه با تمرکز بر ریشه‌های اجتماعی، ساختاری و فرهنگی مناقشه است. عوامل اجتماعی-روان‌شناختی شامل هویت، عزت نفس، عواطف، آسیب‌های روانی و اندوه (Lederach, 1998)، ارزش‌ها و باورها (Department de Justicia, 2014)، هنجارها (Burton, 1990)، احساسات، هیجانات، اهداف و مواضع (Wright, 1951) می‌شود که تناقض و تقابل این عناصر، منجر به بروز مناقشه بین بازیگران می‌شود (Department de Justicia, 2014; Wright, 1951). تأکید رویکرد تغییر ماهیت مناقشه بر ضرورت بررسی نقش منابع اجتماعی-روان‌شناختی مناقشه در کنار سایر عوامل مناقشه‌برانگیز، دیدگاه کامل‌تری به‌منظور درک شرایط واقعی مناقشه ارائه می‌دهد. با تمرکز بر ابعاد اجتماعی مناقشه می‌توان نقش عواملی مانند هویت، هنجارها، محرومیت نسبی و عدم تحقق نیازهای اساسی در شکل‌گیری، تشدید و پایداری مناقشه را شناسایی کرد (Reimer et al., 2015).

تمرکز اصلی در رویکرد تغییر ماهیت مناقشه بر ایجاد فرایندهای سازنده «تبدیل تهدید به فرصت» در مواجهه با مناقشات مخرب است (Lederach, 1995, 2003).

مناقشه و راه‌کارهای مواجهه با مناقشه را شناسایی کرد. از جمله مدل‌های کاربردی مبتنی بر مبانی تغییر ماهیت به‌منظور ریشه‌یابی مناقشات می‌توان به مدل مفهومی نظریه مناقشه تودرتو^{۳۷} (Dugan, 1996; Lederach, 1997)، مدل پرس‌وجو یا تصویر بزرگ تغییر ماهیت مناقشه^{۳۸} (Lederach, 2003)، مدل ARIA-Kumi^{۳۹} (Byrne et al., 2002) اشاره کرد. نکته قابل توجه در خصوص این مدل‌ها آن است که ماهیت مدل‌های معرفی شده، ارائه راه‌کار و روشی قطعی و مطلق برای مواجهه با مناقشه نیست و بیش‌تر به‌عنوان چارچوب‌های مفهومی برای شناسایی عوامل ریشه‌ای مناقشه شناخته می‌شوند (Reimer et al., 2015). چنین کارکردی در مدل‌های توسعه‌یافته بر رویکرد تغییر ماهیت مناقشه، می‌تواند بر دو دلیل استوار باشد؛ ۱- ماهیت درهم‌تنیده مناقشات سبب منحصربه‌فرد بودن آن‌ها می‌شود، لذا ارائه روشی یکسان برای ریشه‌یابی در همه مناقشات کارآمد نیست؛ ۲- هدف رویکرد تغییر ماهیت مناقشه، ارائه راه‌کارهای خلاقانه برای ایجاد تغییرات مثبت است. چگونگی شناخت راه‌کاری خلاقانه، ماحصل شناخت دقیق و کل‌گرایانه از عوامل ریشه‌ای بروز مناقشه است و به‌تبع، برای هر مناقشه نیز می‌تواند منحصربه‌فرد باشد.

رویکرد تغییر ماهیت مناقشه پس از ریشه‌یابی علل اصلی اثرگذار بر شکل‌گیری مناقشه در صدد ارائه راه‌کارها و استراتژی‌هایی در راستای تغییر ماهیت مخرب مناقشه به‌حالی سازنده است (Mirhashemi Dehkordi et al., 2021a). ایجاد وابستگی متقابل، یکی از روش‌های شناخته‌شده به‌منظور تغییر ماهیت مناقشه و ایجاد همکاری بین بازیگران درگیر در مناقشه است (Dinar et al., 2007). با وجود ارائه روش وابستگی متقابل در رویکرد حل مناقشه، بازنگری در راه‌های ایجاد وابستگی متقابل

شناخته می‌شوند که می‌تواند شامل محرومیت نسبی، عدم توسعه‌یافتگی، تبعیض، مهاجرت اجباری، دسترسی ناعادلانه به منابع، شکاف طبقاتی و غیره شود (Azar, 1990; Farmer, 2004; Galtung, 1996b, 2009).

بر این اساس، رویکرد تغییر ماهیت مناقشه از چند منظر کلی با رویکرد حل مناقشه تفاوت دارد:

- برخلاف رویکرد حل مناقشه که تحلیل مناقشه را محدود به بررسی عوامل آشکار می‌داند، رویکرد تغییر ماهیت مناقشه بر این باور است که مواجهه صحیح با مناقشه از طریق ریشه‌یابی عوامل پنهان مناقشه ممکن خواهد شد.

- در رویکرد حل مناقشه، ماهیت مناقشه به‌صورت مخرب در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، رویکرد مذکور درصدد حذف مناقشه از سیستم‌های طبیعی-انسانی است. این در حالی است که رویکرد تغییر ماهیت مناقشه معتقد است که ضمن مواجهه صحیح با مناقشه، امکان تبدیل ماهیت مخرب مناقشه به‌حالی سازنده وجود دارد.

- در رویکرد تغییر ماهیت مناقشه به‌عنوان مفهومی جدایی‌ناپذیر از تعاملات انسانی پذیرفته می‌شود و برخلاف رویکرد حل مناقشه، سعی بر حذف مناقشه از سیستم نیست.

- راه‌کارهای مطرح در رویکرد حل مناقشه به‌منظور حذف مناقشه از سیستم‌های طبیعی-انسانی، متأثر از ایستاد در نظر گرفتن مناقشه است. این در حالی است که در رویکرد تغییر ماهیت مناقشه، مناقشه به‌عنوان پدیده‌ای پویا در نظر گرفته می‌شود که مواجهه با آن مستلزم ارائه راه‌کارهای فرایند محور است.

روش‌های تغییر ماهیت مناقشه

مطالعه مناقشه براساس رویکرد تغییر ماهیت مناقشه مستلزم ریشه‌یابی کل‌گرایانه از عوامل آشکار و پنهان مناقشه است تا از این طریق، بتوان علل اصلی بروز

نتایج و بحث

رویکردهای مواجهه با مناقشه در مدیریت منابع آب

با توجه به مبانی نظری ارائه‌شده، بررسی بازتاب رویکردهای حل مناقشه و تغییر ماهیت مناقشه در حوزه مناقشات آبی جهت شناسایی علل ناکارآمدی مدل‌ها و روش‌های غالب در مواجهه با مناقشات آبی ضروری است. بر این اساس در این بخش، ضمن تطبیق ادبیات مطالعات مناقشات آبی با اصول و مبانی رویکردهای حل مناقشه و تغییر ماهیت مناقشه، بازتاب آن‌ها در روش‌های مرسوم به‌منظور مواجهه با مناقشات آبی تحلیل و واکاوی می‌شوند.

مدل‌های فنی-مهندسی حل مناقشات آبی

تفکرات فنی-مهندسی همواره یکی از رویکردهای مواجهه با مسائل در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی منابع آب به‌شمار می‌رود که به‌طورعمده براساس مدل‌های بهینه‌سازی-شبیه‌سازی توسعه یافته و برای حل مسائل مناقشه‌آمیز مختلف نظیر کمی، کیفی، تخصیص منابع و غیره در مدیریت و برنامه‌ریزی منابع آب، مورد استفاده قرار می‌گیرد. مواجهه با مدل‌های بهینه‌سازی و شبیه‌سازی، براساس رویکرد سیستمی، پایه و اساس مدل‌های فنی-مهندسی حل مناقشات آبی را شکل می‌دهند (Dinar & Lee, 1999). رویکرد سیستمی درصدد حل ابعاد مختلف مسائل درهم‌تنیده، بین‌رشته‌ای و همراه با عدم قطعیت در حوزه مدیریت منابع آب است (Rosenberg & Madani, 2014). عدم قطعیت مدیریت سیستم‌های آبی در دسته عدم قطعیت آماری به تغییرپذیری و اطمینان‌پذیری داده‌ها و اطلاعات وابسته است و در دسته عدم قطعیت عمیق، به اجماع نظر سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران سطوح بالای حکمرانی بر روی طرح‌ها و سیاست‌های مدیریت منابع آب ارتباط دارد (Deylami et al., 2021; Walker et al.,

منجر به قربات مبانی این روش به رویکرد تغییر ماهیت مناقشه شده است. ایجاد وابستگی متقابل ضمن اتکا بر رویکرد حل مناقشه بر به‌کارگیری روش‌های اقتصادی متمرکز بوده است. این در حالی است که بازنگری در روش‌های مطرح به‌منظور ایجاد وابستگی متقابل منجر به گسترش سطوح وابستگی و ارائه سازوکارهای کارآمدتری ضمن بهره‌گیری از راه‌کارهای راهبردی^{۴۲} و بهم‌پیوسته^{۴۳} شد (Maoz, 2009). اتکا بر راه‌کارهای راهبردی و بهم‌پیوسته می‌تواند سبب اعتمادسازی و درک مشترک از مسأله (Ide & Detges, 2018)، تسکین مناقشه (Sidlo, 2021)، بازدارندگی و ممانعت از بروز مناقشه (Mansfield & Pollins, 2003) و کاهش انگیزه‌های مناقشه بین ذی‌مدخلان شود (Oneal & Russett, 1999). وابستگی متقابل اقتصادی بر برقراری روابط آزاد تجاری بین بازیگران تأکید می‌کند که می‌تواند باعث افزایش بهره‌وری بازیگران و دستیابی مشترک به منافع اقتصادی شود (Mansfield & Pollins, 2003; Mosello, 2008). وابستگی متقابل راهبردی فراتر از ظرفیت‌ها و توانایی‌های مستقل بازیگران است و به مسأله اتحاد بین آن‌ها برای کاهش مناقشه و افزایش وابستگی متقابل بازیگران می‌پردازد (Gulati & Singh, 1998; Kegley & Raymond, 1982; Keohane & Martin, 1995). وابستگی متقابل بهم‌پیوسته نیز ترکیبی از روابط متقابل اقتصادی و راهبردی بین بازیگران است که می‌تواند رویکردی مناسب برای مواجهه با مناقشه باشد (Maoz, 2009). نتیجه اقدامات برای برقراری وابستگی متقابل می‌تواند در قالب افزایش تمایل بازیگران برای همکاری به‌منظور دستیابی به دستاوردهای مطلق و مشترک (Keohane & Nye, 2011)، التزام در برابر روابط متقابل (Heide, 1994) و در نهایت، جلوگیری از خشونت و تسهیل ایجاد جامعه‌ای فراملی شناخته شود (Ide & Detges, 2018).

بازیگران از معیارهای اقتصادی انتخاب عقلانی می‌شود (Farajzade Arnesa *et al.*, 2020) و مفاهیم اثرگذار و خارج از دایره عقلانیت مانند ارزش‌ها، هنجارها و هویت ذی‌مدخلان که اثرگذاری قابل‌توجهی در تصمیم‌گیری دارند، در نظر گرفته نمی‌شوند (Mirhashemi Dehkordi *et al.*, 2021). علاوه بر آن، روش‌های فنی-مهندسی اهداف سیستم را به‌عنوان یک «کل» بهینه می‌کنند. این پیش‌فرض که همکاری و یکپارچگی کامل بین بازیگران برای دستیابی به حداکثرسازی ظرفیت سیستم برقرار است، باعث می‌شود اهداف، اولویت‌ها و ارجحیت‌های متناقض بازیگران در مواجهه با مناقشه موردتوجه قرار نگیرد (Darbandsari *et al.*, 2020; Madani & Lund, 2019; Tayia, 2011). در این شرایط، راه‌کارهای ارائه‌شده ممکن است از نظر تمامی طرف‌های درگیر در مناقشه منصفانه و قابل‌پذیرش نباشد، مورد استقبال تصمیم‌گیرندگان قرار نگیرند و موجب شکست فرایند حل مناقشات منابع آب شود (Mianabadi *et al.*, 2014; Rogers & Fiering, 1986).

محدودیت‌های نظری، شناختی و محاسباتی روش‌های فنی-مهندسی برای ارائه راه‌کارهای بهینه، اختلاف و مناقشه را به مسأله‌ای ساده تقلیل می‌دهند که باعث عدم موفقیت در مواجهه کارآمد با مناقشه می‌شود (Aziz, 2009; Reed & Kasprzyk, 2009; Alaoui & Bertelle, 2009). تقلیل‌گرایی بهینه‌سازی-شبیه‌سازی باعث تمرکز بر ابعاد و جنبه‌های طبیعی-اقلیمی و در بهترین حالت، ابعاد اقتصادی مدیریت منابع آب می‌شود. این درحالی است که سیستم‌های درهم‌تنیده آبی با بخش‌های بهم‌پیوسته طبیعی-اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی-روان‌شناختی، سازمانی و نهادی، حقوقی، سیاسی-امنیتی و هیدروپلیتیکی در ارتباط هستند و عدم توجه هم‌زمان به این بخش‌ها، سیاست‌ها و راهبردهای نادرستی را برای

(Yen, 2002; 2010). مدل‌های فنی-مهندسی با رویکرد سیستمی درصدد مواجهه با عدم قطعیت در مدیریت سیستم‌های آبی هستند (Islam & Susskind, 2018; Timmerman *et al.*, 2015). برای این منظور، مدل‌های فنی-مهندسی از تعیین سود و هزینه اقدامات استفاده می‌کنند تا گزینه‌های عقلانی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌های مدیریتی منابع آب را برای حداکثرسازی سود برای کل ذی‌مدخلان ارائه کنند (Loucks & van Beek, 2017). برای نمونه، روش‌های بهینه‌سازی-شبیه‌سازی به‌عنوان یکی از مرسوم‌ترین ابزارهای مواجهه با مناقشات آبی در حوضه‌های آبریز فرامرزی و بین‌المللی مختلف از جمله حوضه آبریز فرامرزی هیرمند (Bazrkar *et al.*, 2010; Ettehad, 2013; Geressu & Harou, 2015; Keith *et al.*, 2013; Sreenath *et al.*, 2002) و حوضه آبریز زاینده‌رود (Naghdi *et al.*, 2021) به‌کار گرفته شده است.

اگرچه به‌کارگیری ابزارهای بهینه‌سازی و شبیه‌سازی در حوزه مواجهه با مناقشه در سیستم‌های آبی فراگیر است، با این حال، مبانی کاربرد این روش‌ها در مواجهه با مناقشات آبی با اشکالات و انتقادات جدی مواجه است. مدل‌های فنی-مهندسی، سیستم‌های آبی را پیچیده (در مقابل درهم‌تنیده)^{۴۴} و بازیگران را عقلانی در نظر می‌گیرند تا از این طریق با استفاده از روش‌های بهینه‌سازی و شبیه‌سازی امکان حل مناقشه فراهم شود (Essenfelder *et al.*, 2018; Merchant, 2015; Yu & Lu, 2018). فرض‌های ساده‌انگارانه مدل‌های شبیه‌سازی-بهینه‌سازی باعث می‌شود تا رویکرد فنی-مهندسی روابط بین اجزای سیستم‌های آبی و تصمیم‌هایی که بازیگران در مواجهه با مناقشه می‌گیرند را همواره مبتنی بر پیش‌فرض‌های عقلانیت بدانند. این درحالی است که ویژگی درهم‌تنیدگی سیستم‌های آبی باعث عدم تبعیت دائمی رفتارها و اقدامات

منجر به شکل‌گیری مناقشه بین بازیگران می‌شود. این پیش‌فرض بیانگر آن است که امکان وجود رقابت بین طرف‌های درگیر در مناقشه برای دستیابی به منابع آب کمیاب وجود دارد (Hackett & Dissanayake, 2014). پیش‌فرض دوم، وجود انگیزه مبتنی بر مطلوبیت است، بدان معنی که انتخاب‌ها و اقدام‌ها براساس رقابت بین ذی‌مدخلان شکل می‌گیرند که مبتنی بر محاسبات هزینه-فایده و با هدف دستیابی به حداکثر منافع شخصی است (Foley, 2004; Gutiérrez & Mila, 2007). پیش‌فرض سوم، عقلانیت و محاسبه‌گری بازیگران است که به دنبال انتخاب بهترین گزینه با بیش‌ترین مطلوبیت هستند. لذا اقدام‌های آن‌ها با معیارهای اقتصادی سنجیده می‌شود. با این پیش‌فرض، آب به‌عنوان یک کالای کمیاب و اقتصادی، بر اولویت‌های بازیگران اثرگذار است و انتخاب‌های عقلانی آن‌ها را شکل می‌دهد (Friedman, 1953). در مجموع، مدل‌های اقتصادی مواجهه با مناقشات منابع آب در تلاش هستند که براساس نظریه انتخاب عقلانی، گزینه‌های عقلانی برای بازیگران مناقشه تولید کنند که با انتخاب آن‌ها، مناقشه حل شود (Tietenberg & Lewis, 2012). مدل‌های اقتصادی در مواجهه با مناقشه‌های آبی شامل روش‌های مختلف از جمله نظریه بازی‌ها، بازار آب^{۴۵}، اشتراک منافع، آب مجازی^{۴۶} و صلح آبی^{۴۷} می‌شود.

از بین روش‌های فوق، نظریه بازی‌ها مرسوم‌ترین ابزار اقتصادی برای حل مناقشه بین بازیگران عقلانی در مدیریت و برنامه‌ریزی منابع آب است (Madani, 2010; Myerson, 1997; Rapoport, 1974). مدل‌سازی و ارائه راه‌کارهای مواجهه با مناقشات آبی در نظریه بازی‌ها به‌طورکلی براساس دو دسته از بازی‌های غیرهمکارانه مانند مدل گراف برای حل مناقشه^{۴۸} (Fang et al., 1993) و بازی‌های همکارانه مانند نظریه ورشکستگی آبی^{۴۹}

مواجهه با مناقشات آبی ارائه می‌دهد (Mianabadi et al., 2014; Rosenberg & Madani, 2015). تقلیل‌گرایی روش‌های فنی-مهندسی سبب پنهان‌ماندن بخش گسترده‌ای از عوامل اثرگذار بر مناقشه و مغفول‌ماندن ابعاد پنهان از نظر مدل‌ساز می‌شود (Islam & Susskind, 2008; Yen, 2002; Zeitoun & Mirumachi, 2008). بخشی از تقلیل‌گرایی ذاتی مدل‌های فنی-مهندسی، به‌دلیل تمرکز بر منابع آماری عدم قطعیت مانند سری داده‌های هیدرولوژیکی و ضعف در شناسایی منابع عدم قطعیت عمیق و در نظر گرفتن ابعاد مواجهه با آن‌ها است (Deylami et al., 2021; Reed & Kasprzyk, 2009). این نکته نیز شایان ذکر است که دربرگرفتن ابعاد و جنبه‌های مختلف آماری سیستم‌های آبی با مشکلات متعددی مواجه است که ترکیب ابعاد مختلف را در مدل‌سازی مناقشه دشوار می‌کند و منجر به عدم بازتاب صحیح ماهیت مناقشات آبی می‌شود (Darbandsari et al., 2020; Islam & Susskind, 2018). از این رو، روش‌های فنی-مهندسی نمی‌توانند به‌طور جامع درهم‌تنیدگی‌های سیستم‌های آبی را در نظر بگیرند و راه‌کارهای بهینه‌سازی-شبهه‌سازی حاصل از این مدل‌ها نیز نمی‌توانند عوامل و ابعاد آشکار و پنهان مؤثر در مناقشات آبی را در مواجهه با مناقشه در نظر بگیرند (Deylami et al., 2021).

مدل‌های اقتصادی حل مناقشات آبی

در دیدگاه‌های اقتصادی مواجهه با مناقشه، آب به‌عنوان کالایی اقتصادی برای دستیابی مستقیم یا غیرمستقیم انسان‌ها به خواسته‌ها و نیازهای خود در نظر گرفته می‌شود. مدل‌های اقتصادی مواجهه با مناقشات آبی براساس سه فرض محوری شکل گرفته است (Tayia, 2019). پیش‌فرض نخست این است که کمیابی منابع آب

بین ذی‌مدخلان است که براساس پیش‌فرض‌های تجارت بازار آزاد و مبادله آب به‌عنوان کالا (Grey & Sadoff, 2003) به ارائه راه‌کارهایی برای مواجهه با مناقشه در سیستم‌های آبی مشترک می‌پردازد که برای نمونه می‌توان به مطالعات صورت‌گرفته در حوضه آبریز دجله و فرات (Aytemiz, 2001)، حوضه آبریز نیل (Dinar & Nigatu, 1994; Whittington et al., 2013) و حوضه آبریز زاینده‌رود (Ahmadi et al., 2019; Satari Ghahfarokhi, 2015; Yadegari Khoozani, 2011) در این خصوص اشاره کرد. رویکرد اشتراک منافع، از راه‌کارهای دیگر حل مناقشه مبتنی بر تعاملات اقتصادی بین بازیگران است که به‌جای تمرکز بر نحوه تخصیص منابع آب مورد مناقشه، بر تقسیم منافع حاصل از آن منابع مشترک متمرکز می‌شود (Karim, 2020; Philips & Woodhouse, 2009). ادبیات رویکرد اشتراک منافع به‌طور چشم‌گیری در سیستم‌های آبی مشترک فرامرزی مورد بررسی قرار گرفته است که برای نمونه می‌توان به حوضه آبریز آرال (Soliev et al., 2020; Soliev & Theesfeld, 2015)، حوضه آبریز دجله و فرات (Daoudy, 2007) و حوضه آبریز رودخانه سند (Malik, 2019; Yuefang et al., 2021) اشاره کرد. رویکرد آب مجازی نیز در دهه اخیر جایگاه ویژه‌ای در مطالعات اقتصادی مناقشات آبی به‌دست آورده است. راه‌کار مدیریت براساس آب مجازی، تبادلات کالا مانند محصولات غذایی را جهت مدیریت و مواجهه با تنش‌های آبی توصیه می‌کند تا از این طریق، کمیابی موردنیاز برای محصولاتی مانند محصولات کشاورزی و غیره جبران شود یا به‌طور مجازی و غیرفیزیکی، وارد حوضه شوند (Allan, 1997; Hoekstra & Hung, 2002; Zeitoun et al., 2010). آب مجازی به‌عنوان یکی از راه‌کارهای مواجهه با مسائل و مناقشات آبی در مواجهه با مناقشات آبی در حوضه‌های آبریز فرامرزی مختلف از

(Herrero & Villar, 2001) صورت می‌گیرد. نظریه بازی‌ها به‌منظور مواجهه با مناقشه در حوضه‌های آبریز مشترک و فرامرزی از جمله حوضه آبریز دجله و فرات (Faris et al., 2016; Mianabadi et al., 2014, 2013)، حوضه آبریز نیل (Degefu and He, 2016; Madani et al., 2011) و حوضه آبریز زاینده‌رود (Esmaceli, 2016; Ghasemian, 2014; Jalili Kamju & Khochiani, 2020; Jalili Kamju & Khoshakhlagh, 2016; Pourkazemi & Vali, 2014) استفاده شده است.

با وجود استفاده فراگیر از نظریه بازی‌ها در مطالعه مناقشات آبی، نظریه بازی‌ها و مدل‌های زیرمجموعه آن با نقدهای اساسی مواجه است که ناکارآمدی آن‌ها را در مواجهه با مسائل درهم‌تنیده سیستم‌های آبی از جمله مناقشات آبی را آشکار می‌سازد. مهم‌ترین دلیل ناکارآمدی نظریه بازی‌ها در مواجهه با مناقشات آبی، رویکرد تقلیل‌گرایانه این روش و ساده‌سازی ابعاد درهم‌تنیده مناقشات آبی به بُعد اقتصاد و فرض رفتارهای عقلانی مبتنی بر سود اقتصادی در بین بازیگران است (Farajzade Arnesa et al., 2020). در این شرایط، ابعاد و جنبه‌های سیاسی-امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، هنجاری، ارزشی و هویتی در مدل‌سازی مناقشه در نظر گرفته نمی‌شود (Müller & Dieng, 2000; Syll, 2018). تقلیل‌گرایی نظریه بازی‌ها موجب تبدیل مسأله واقعی مناقشات آبی به مسأله‌ای فرضی، تک‌بعدی و غیرواقعی می‌شود که خطای فاحشی در شناخت و مواجهه با مناقشه به‌شمار می‌رود (Farajzade Arnesa et al., 2020; Mirhashemi et al., 2021a).

روش‌های اقتصادی حل مناقشات مبتنی بر رویکردهای تجاری مواجهه با مناقشه نیز جایگاه قابل‌توجهی در ادبیات مواجهه با مناقشات آبی پیدا کرده است. بازار آب، یکی از روش‌های پیشنهادی برای تسکین مناقشات آبی

همکاری‌های فرامرزی ارجحیت دارد (Alemu & Dinar, 2000; Dinar & Nigatu, 2013; Ghoreishi et al., 2019). علاوه بر آن، رویکردهای اقتصادی مواجهه با مناقشات آبی به‌طور عمده بر مبنای پیش‌فرض استقلال کامل بازیگران شکل گرفته است (Tayia, 2019). در این خصوص نیز نقش و اهمیت تعاملات سیاسی و وابستگی متقابل بازیگران در نظر گرفته نمی‌شود. در واقع، ارزش‌های اجتماعی، سیاسی-امنیتی منابع آب برای ذی‌مدخلان مناقشه در نظر گرفته نمی‌شود. علاوه بر آن، نقش قدرت و سازوکارهای سیاسی حاکم در مناسبات آب‌های فرامرزی مدنظر گرفته نمی‌شود (Susskind & Islam, 2012). به‌طور کلی، سازوکارهای مشخصی برای تعاملات بین بازیگران مناقشه در روش اشتراک منافع حاصل از منابع آب وجود ندارد و عدم قطعیت‌های متعدد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اقلیمی می‌توانند روش‌ها و رویکردهای اقتصادی را در مواجهه با مناقشات آبی به‌طور نسبی ناکارآمد سازند (Tayia, 2019).

مدل‌های هیدروپلیتیکی تغییر ماهیت مناقشات آبی

همان‌طور که پیش از این بیان شد، وابستگی متقابل یکی از روش‌های تغییر ماهیت مناقشه و حرکت به‌سوی همکاری بین بازیگران است (Dinar et al., 2007; Dinar, 2000; Elhance, 1999, 2000; Tawfik, 2019). موفقیت در برقراری وابستگی متقابل برای مواجهه با مناقشه به‌طور عام و مناقشات آبی به‌طور خاص، مستلزم شناخت ماهیت، مولدها و بستر شکل‌گیری مناقشه است تا بتواند ابعاد و جنبه‌های مختلف ظرفیت‌های همکاری بین بازیگران را در نظر بگیرد (Mosello, 2008). گسترش ادبیات وابستگی متقابل در حوزه مطالعات مناقشات آبی و ضرورت نگاشت مناقشه در سیستم‌های آبی در مدل همبست آب- غذا- انرژی^{۵۰} بازتاب داشته است

جمله حوضه آبریز نیل (Allan, 2009; Zeitoun et al., 2010)، حوضه آبریز اردن (Allan, 2002; Susskind & Montazar et al., 2012) و حوضه آبریز زاینده‌رود (Islam, 2012, 2009) پیشنهاد شده است.

باوجود تفاوت در روش‌ها و رویکردهای اقتصادی بازار آب، آب مجازی و اشتراک منافع برای حل مناقشات آبی، مبنای فکری در توسعه آن‌ها براساس پیش‌فرض انتخاب عقلانی بازیگران با توجه به ارجحیت‌ها و اولویت‌های اقتصادی شکل گرفته است (Friedman, 1953). در واقع، بدون توجه به درهم‌تنیدگی عوامل مؤثر در مناقشه، مسائل اقتصادی و حداکثرسازی منافع را اصل و مبنای رفتاری و تعاملی بازیگران در مناقشه در نظر می‌گیرد (Tayia, 2019). به‌عبارت دیگر، روش‌ها و رویکردهای اقتصادی حل مناقشات آبی، هدف اصلی بازیگران در مواجهه با مناقشه‌های آبی را دستیابی به سود و منافع می‌داند که با شرایط واقعی تطابق ندارد. زیرا در بسیاری از موارد مناقشات آبی تنها بر مسأله اقتصادی استوار نیست و مناقشات آبی کشورها به‌دلیل کسب یا حفظ هژمونی و قدرت سیاسی ماحصل از منابع آب است. به‌عنوان مثال، مطالعات اقتصادی متعددی در حوضه آبریز نیل، درصدد مواجهه با مناقشه و شکل‌دهی به همکاری براساس ایجاد انگیزه‌های اقتصادی بین کشورهای ساحلی بودند (Allan, 2009; Swain, 2011; Whittington et al., 1994; Zeitoun et al., 2010). با این‌حال، باوجود برآورد سود اقتصادی مشترک، نتایج راه‌کارهای اقتصادی مبتنی بر سود و منافع به‌طور عمده در عمل ناموفق بوده‌اند و منجر به همکاری‌های آبی اشاره نشده‌اند. زیرا برای نمونه در مناقشات آبی فرامرزی حوضه آبریز نیل، برای کشور پایین‌دست مصر به‌عنوان هیدروهژمون حوضه، حفظ موقعیت سیاسی-امنیتی و هژمونی نسبت به کسب دستاوردهای اقتصادی حاصل از

متقابل کم‌تر شود، بازیگران سعی می‌کنند وابستگی خود را کاهش دهند (Oneal & Russett, 1997). در مثال دیگر، وابستگی متقابل بین کشورهای حوضه آبریز دریاچه آرال در بخش‌های مختلف، به‌عنوان مثالی از کارکرد مناسب این رویکرد در حوضه‌های آبریز فرامرزی شناخته می‌شود، به‌طوری‌که کشورهای بالادست (قرقیزستان و تاجیکستان) با در اختیار داشتن منابع آب غنی، می‌توانند نیازهای آبی کشورهای پایین‌دست (ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان) را برطرف کنند و در مقابل، کشورهای پایین‌دست کمبود انرژی کشورهای بالادست را با تولید انرژی‌های برق‌آبی و فسیلی تأمین کنند (Barjeste *et al.*, 2020). با این وجود، موفقیت روش وابستگی متقابل بین بازیگران مستلزم کل‌نگری و بررسی ریشه‌های بروز مناقشه است (Mosello, 2008).

بررسی مدل‌ها و روش‌های مختلف مبتنی بر رویکردهای حل و تغییر ماهیت مناقشه نشان می‌دهند که هر یک از مدل‌ها و روش‌های مذکور به بخشی از عوامل مؤثر در بروز/تشدید/تسکین مناقشه می‌پردازند و انتخاب مدل و روش مناسب در مواجهه با مناقشات آبی، نیازمند بررسی، تحلیل و نگاشت مناقشات آبی جهت شناسایی عوامل پنهان و آشکار مؤثر است. بدون شک، انتخاب ابزارها و مدل‌ها و روش‌های مواجهه با مناقشه بدون شناخت و تحلیل عوامل و ریشه‌های مناقشه، نه تنها نمی‌تواند مناقشات آبی را در مقیاس‌های فراملی و فراملی تسکین دهد بلکه می‌تواند در برخی حالات سبب ایجاد مسائل نوظهور و در نتیجه تشدید مناقشات نیز شود. بر این اساس، آشنایی کامل و انتخاب رویکرد مناسب در مواجهه با مناقشات آبی و پس از آن انتخاب مدل‌ها و ابزارهای صحیح مواجهه با مناقشات آبی، اهمیت قابل توجهی دارد که ضروری است با تحلیل و نگاشت صحیح مناقشات در حوضه‌های آبریز مشترک صورت گیرد.

(Barjeste *et al.*, 2020). رویکرد همبست در دو دهه اخیر توجه بسیاری از پژوهش‌گران را برای تحلیل مسائل و مناقشات آبی از جمله در حوضه آبریز دریاچه آرال (Abdullaev & Rakhmatullaev, 2016; Mosello, 2008)، حوضه آبریز مکنونگ (Belinskij, 2015)، حوضه‌های آبریز منطقه غرب آسیا (Kibaroglu & Gürsoy, 2015; Salmoral, 2020; Sidlo, 2021; Zarei, 2020) و حوضه آبریز زاینده‌رود (von Koerber *et al.*, 2021) به خود جلب کرده است. با این حال، برقراری وابستگی متقابل و به‌کارگیری رویکرد همبست در مواجهه با مناقشه آبی، با نقدهایی مواجه است.

برقراری شرایط وابستگی متقابل و تعاملات مبتنی بر همبست آب-غذا-انرژی در مواجهه با مناقشه، احتمال وابستگی بازیگران به بازارهای خارجی را افزایش می‌دهد (Mansfield & Pollins, 2001, 2003). در این شرایط، وابستگی متقابل بین بازیگران تهدیدی برای استقلال و امنیت ملی دولت‌ها قلمداد می‌شود که احتمال بروز مناقشه را افزایش می‌دهد (Sidlo, 2021). به‌عنوان مثال، طرح انتقال آب از تاجیکستان به مشهد برای مواجهه با مسأله کم‌آبی آب در شمال شرق کشور، امنیت ملی کشور را به بازیگری ثالث وابسته می‌کرد. دلیل اجرایی‌نشدن چنین راه‌کاری تاکنون، آشکارشدن مخاطرات سیاسی-امنیتی این راه‌کار بود. با گسترش وابستگی متقابل بین بازیگران، مسائل اقتصادی ظهور می‌یابند که می‌تواند منجر به شکل‌گیری مناقشه و به‌خطر افتادن تعاملات شود (Mansfield & Pollins, 2001). به‌عبارت دیگر، روابط مبتنی بر وابستگی متقابل بین بازیگران به سبب همگرایی هم‌زمان بازیگران در مقطع زمانی مشخصی شکل می‌گیرد و با بروز مناقشه مجدد متوقف می‌شود (Keshk *et al.*, 2004). در واقع، اگر ماهیت تعاملات سیاسی بین بازیگران نسبت به قبل مخرب‌تر شود و اهمیت روابط

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اقدامات مدیریت و برنامه‌ریزی منابع آب نیازمند در نظر گرفتن ملاحظات و راه‌کارهای پیشگیری، مواجهه و تسکین مناقشه است. گفتمان‌های غالب مطالعات صلح و مناقشه در برهه‌های زمانی مختلف منجر به شکل‌گیری رویکردها، روش‌ها و مدل‌های مختلف شده است. شناخت مبانی نظری و فکری رویکردهای حل و تغییر ماهیت، امکان تشخیص رویکرد مناسب به منظور شناخت ماهیت و مواجهه با مناقشه را برای پژوهش‌گران و متخصصان حوزه مناقشه فراهم می‌کند. مقاله حاضر با توجه به افزایش روزافزون مناقشات آبی در مقیاس‌های فراملی و فراملی و عدم موفقیت عمده رویکردهای مرسوم در مواجهه با مناقشات آبی، مطالعه‌ای تطبیقی بین مبانی مطالعات مناقشات آبی و پارادایم‌ها، رویکردها و روش‌های معرفی شده در مطالعات صلح و مناقشه انجام داده است. نتایج حاصل از مطالعه نشان از عدم هم‌سویی رویکردهای مواجهه با مناقشات آبی با تغییر پارادایم‌ها و گفتمان‌های نوین مواجهه با مناقشه و استقرار صلح دارد. این در حالی است که رویکرد نوین تغییر ماهیت برای شناخت و مواجهه با مناقشه، نظریه‌ها و روش‌های متعددی ارائه کرده است و بر شناسایی علل ریشه‌ای مناقشات تأکید می‌کند، در صورتی که پژوهش و اجرای راه‌کارهای مواجهه با مناقشات آبی از چنین رویکردی بهره‌مند نیست و با وجود غلبه رویکرد تغییر ماهیت مناقشه در گفتمان نوین مطالعات صلح و مناقشه، هم‌چنان راه‌کارهای نسبتاً ناموفق حل مناقشه در مطالعات مناقشات آبی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تمرکز رویکرد تغییر ماهیت مناقشه که رویکردی جایگزین برای اصلاح نقایص رویکرد حل مناقشه و بنیان گفتمان غالب مطالعات صلح و مناقشه است، بر شناخت علل ریشه‌ای و پنهان در بسترهای ساختاری، اجتماعی و

فرهنگی مناقشه می‌باشد. این در حالی است که عمده روش‌های مرسوم در حوزه مواجهه با مناقشات آبی مبتنی بر رویکرد حل مناقشه هستند که به‌طور عمده با انتقادات در زمینه عدم شناخت درهم‌تنیدگی و عوامل مؤثر انسانی-اجتماعی، هیدروپلیتیکی، امنیتی، سازمانی و نهادی مواجه است. علاوه بر این، تمرکز اصلی رویکردهای مرسوم مواجهه با مناقشات آبی بر ارائه راه‌کارهای مواجهه با عوامل سطحی مناقشه‌برانگیز در مدیریت منابع آب است و شناخت عوامل ریشه‌ای و پنهان کم‌تر مورد توجه پژوهش‌های آبی قرار می‌گیرد. عوامل ریشه‌ای و پنهان مناقشه، اثر غیرقابل انکاری بر شدت و برون‌دادهای مناقشه دارد و به‌عنوان دلیلی برای بروز نشانه‌های قابل‌رؤیت در اختلافات بین ذی‌مدخلان حوضه‌های آبریز مشترک شناخته می‌شود. عدم هم‌سویی مطالعات مناقشات آبی با مبانی تغییر ماهیت مناقشه، مؤلفه‌ای قابل‌اتکا در شناسایی دلایل عدم موفقیت راه‌کارهای مواجهه با مناقشات آبی شناخته می‌شود. فقدان تأثیرپذیری مدیریت منابع آب از نظریه‌های نوین و تأکید مضاعف بر راه‌کارهای فنی-مهندسی و اقتصادی (نظریه بازی‌ها، بازار آزاد آب، اشتراک منافع، صلح آبی، ورشکستگی آبی، بهینه‌سازی-شبهه‌سازی و غیره) سبب در نظر نگرفتن بخش عمده‌ای از عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری و مواجهه با مناقشه در سیستم‌های آبی شده است. چنین روش‌هایی به‌طور عمده با نگاه‌های تقلیل‌گرایانه، تأکید بر پیش‌فرض‌های غیرواقعی از مناقشه و در بعضی اوقات، سوء برداشت از دلایل اصلی مناقشه، راه‌کارهایی ارائه می‌دهند که در عمل موفقیت‌آمیز نیستند. به‌عبارت دیگر، رویکردهای مرسوم مواجهه با مناقشات آبی به‌طور هم‌زمان، تمام ابعاد و جنبه‌های مختلف مناقشه در سیستم‌های آبی را در نظر نمی‌گیرند.

مطالعه تطبیقی مبانی رویکردهای حل مناقشه و تغییر

روش‌های مواجهه با مناقشه قبل از مواجهه با مناقشه ضروری است که انتخاب هر رویکرد، مدل و روش مواجهه با مناقشه، می‌تواند نتایج متفاوتی را در حوضه و سیستم‌های آبی مشترک رقم بزند.

تشکر و قدردانی

از مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بابت حمایت مالی از این پژوهش و همچنین، از داوران بزرگواری که با همکاری و ارائه نظرات ارزنده خود موجب غنای پژوهش حاضر شدند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

1. Conflict
2. Complex
3. Stakeholder
4. Norms
5. Attitudes
6. Water scarcity
7. Deal with conflict
8. Peacebuilding

۹. Conflict management: در مدیریت مناقشه،

هدف اصلی مهار و کنترل مناقشه است تا از اثرگذاری عواقب نامطلوب مناقشه بر جوامع پیرامونی جلوگیری کند (Aiyede, 2006).

۱۰. Conflict settlement: در حل و فصل مناقشه

تصور بر این است که می‌توان رفتارهای مناقشه‌آمیز ذی‌مدخلان را به‌طور کامل و در بازه زمانی کوتاه‌مدت، به پایان رسانده و اختلافات نیز در قالب توافقات پایان می‌یابد. در این رویکرد، به‌جای شناسایی علل بروز مناقشه، تمرکز اصلی بر حذف رفتارهای نامطلوب از بسترهای تعاملی بازیگران است (Burton & Dukes, 1990; Hirschleifer, 1989; Sandole, 1998).

11. Conflict resolution

ماهیت مناقشه توانسته است ماهیت نظری و فکری روش‌ها و مدل‌های توسعه‌یافته مبتنی بر هر رویکرد را در مطالعات مناقشات آبی شناسایی کند. با وجود نمونه‌های موفق از هر روش مواجهه با مناقشات آبی، به هرکدام از رویکردها نقدهای جدی وارد است که می‌تواند اساس یک رویکرد یا نظریه را زیر سؤال ببرد. ذکر این نکته ضروری است که اگرچه ممکن است تجارب موفق در مواجهه با مناقشات آبی به‌صورت مقطعی نیز وجود داشته باشد، با این وجود، تکرار بیش از حد مداخلاتی که بین رویکردها و شیوه‌های مواجهه با مناقشات در آن‌ها عدم هماهنگی وجود دارد، در طول زمان می‌تواند منجر بی‌اعتمادی و احساس ناتوانی نسبت به امکان تسکین مناقشه شود (Parlevliet, 2009; Pouligny, 2006; Richmond, 2002). رویکردهای مواجهه با مناقشه در مبانی خود تفسیرهای متفاوت افراد از علل مناقشه ارائه می‌دهند و راه‌کارهای مواجهه با مناقشه آن‌ها متفاوت هستند (Bell, 2006). راه‌کارهای مواجهه با مناقشه که ناشی از درک متفاوت از علل و مسائل مناقشه باشد، واگرایی بسیار زیادی با یکدیگر دارند که می‌تواند ناشی از درک تقلیل‌گرایانه آن‌ها باشد. از این رو، مداخله براساس این راه‌کارهای متفاوت و متضاد ناکارآمد تلقی می‌شود و نمی‌تواند رضایت و پذیرش بازیگران را جلب کند. در بعضی موارد، تکرار مداخلات ناموفق و واگرایی بین راه‌کارها ممکن است باعث تمایل طرف‌های درگیر در مناقشه به بهره‌گیری از اقدامات نظامی، زور و اجبار و همچنین عدم توجه به ضرورت جلب رضایت در اقدامات مواجهه با مناقشه شود (Mackinlay & Chopra, 1992; Shearer, 1997). در این شرایط، امکان مواجهه صحیح با مناقشه از بین می‌رود و باعث ناکارآمدی تلاش برای مواجهه با مناقشه می‌شود. بر این اساس، تحلیل و نگارشت مناقشه و شناخت کامل رویکردها، مدل‌ها و

ریشه‌های ساختاری مناقشه شناخته می‌شود. این مدل روش مناسبی برای تحلیل و ریشه‌یابی مناقشات مسأله‌محور براساس سطوح مختلفی است که درون یکدیگر تعبیه شده‌اند (Dugan, 1996; Lederach, 1997).

۳۸. Inquiry model or big picture of conflict

transformation: مدل پرس‌وجو که به‌عنوان تصویر بزرگ تغییر ماهیت مناقشه نیز شناخته می‌شود، یکی دیگر از مدل‌های ریشه‌یابی براساس تغییر ماهیت مناقشه است. در این مدل، سه پرس‌وجوی اصلی به‌ترتیب برای شناخت وضعیت موجود، چشم‌انداز مطلوب آینده و فرایند توسعه تغییرات سازنده صورت می‌گیرد. همچنین، الگوهای رابطه‌ای و تاریخی، ابعاد ساختاری و فرهنگی، راه‌کارهای ارائه‌شده پیشین و مبنای چگونگی تعیین راه‌کارهای مواجهه با مناقشه در این مدل موردتوجه قرار گرفته و بررسی می‌شوند (Lederach, 2003).

۳۹. ARIA-Kumi: این مدل به‌صورت عمده برای

مناقشات مبتنی بر هویت توسعه داده شده است. در این مدل کاربردی، طرف‌های درگیر در مناقشه به‌همراه یک یا چند تسهیل‌گر/میانجی‌گر، درصدد تبدیل روابط خصمانه به هم‌نوایی در جلسات گفت‌وگوی مشترک هستند. با ایجاد هم‌نوایی و قرابت بین طرف‌های مناقشه، این مدل در صدد شناسایی راه‌کارهای ممکن، تعیین راه‌کار مطلوب و برنامه‌های انضمامی برای مواجهه با مناقشه است (Rothman, 2012).

۴۰. Social cube model: در مدل مکعب اجتماعی،

شش سطح مختلف به‌عنوان یک مکعب ارائه می‌شود که معتقد است می‌توان عوامل مناقشه را از این طریق ریشه‌یابی کرد. در این مدل، مجموعه عوامل تاریخی، مذهبی، جمعیتی، اقتصادی، سیاسی و روان‌شناسی-فرهنگی، به‌عنوان مبنای شکل‌گیری مناقشه معرفی شده است (Byrne et al., 2002).

12. Conflict transformation

13. Interdependence

14. Psychological factor

15. Structural violence

16. Cultural violence

17. Incompatibility

18. Destructive

19. Manifest

20. Latent

21. Human relations view

22. Contradictions

23. Relative deprivation

24. Evolutionary

25. Benefit sharing

26. Peacemaking

۲۷. Instrumental rational choice theory: نظریه

انتخاب عقلانی که ریشه در نظریه‌های اقتصاد خرد دارد، برای تحلیل رفتار بازیگران در علم روابط بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرد. انقلاب رفتاری و ورود روش‌های اقتصادی به نظریه‌های روابط بین‌الملل در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، نتیجه افزایش نفوذ خردگرایی در نظریه‌های روابط بین‌الملل بود. عقلانیت ابزاری، در مجموع بر توانمندی بازیگر در حساب سود و زیان متمرکز است. این در حالی است که عقلانیت ارزش‌محور بر مبنای قضاوت‌های مستدل درباره ارزش اهداف بنیان‌گذاری شده است (Choi, 2015; Dehghani, 2021; Firozabadi & Jafari, 2021).

28. What-if scenarios

29. Cooperative games

30. Non-cooperative games

31. Reconstruction

32. Normative discourses

33. Sociobiological

34. Creative

35. Legitimate

36. Cosmology

۳۷. Nested theory of conflict: نظریه مناقشه

تودرتو، درصدد ریشه‌یابی شبکه مسائل موردتوجه در مناقشه است. در مدل مفهومی این نظریه، عوامل آشکار به‌عنوان مسائل خاص مناقشه نقطه شروع تحلیل مناقشه و کشف ارتباط با عوامل پنهان در روابط بین‌ذی‌مدخلان و

- term solution for water short Middle Eastern economies?* School of Oriental and African Studies, University of London London.
7. Allan, J. A. (2002). Hydro-Peace in the Middle East: Why no water wars?: A case study of the Jordan River Basin. *SAIS Review (1989-2003)*, 22(2), 255-272.
 8. Allan, J. A. (2009). Nile Basin asymmetries: A closed fresh water resource, soil water potential, the political economy and Nile transboundary hydropolitics. In *The Nile* (pp. 749-770). Springer.
 9. Allan, J. A., & Mirumachi, N. (2010). Why negotiate? Asymmetric endowments, asymmetric power and the invisible nexus of water, trade and power that brings apparent water security. In *Transboundary water management* (1st ed., pp. 26-39). Routledge.
 10. Aytemiz, L. (2001). *The optimal joint provision of water for irrigation and hydropower in the Euphrates River: The case of conflict between Turkey and Syria*. Doctoral dissertation, Oklahoma State University, Stillwater, OK, USA.
 11. Azar, E. E. (1990). *The management of protracted social conflict: Theory and cases*. Dartmouth Publishing Company.
 12. Azar, E. E., & Burton, J. (Eds.). (1986). *International conflict resolution: Theory and practice*. Wheatsheaf Books.
 13. Azar, E. E., Jureidini, P., & McLaurin, R. (1978). Protracted social conflict; Theory and practice in the Middle East. *Journal of Palestine Studies*, 8(1), 41-60. <https://doi.org/10.2307/2536101>
 14. Aziz-Alaoui, M. A., & Bertelle, C. (Eds.). (2009). *From system complexity to emergent properties* (1st ed.). Springer Berlin Heidelberg. <https://doi.org/10.1007/978-3-642-02199-2>
 15. Barjeste, H., Ghoreishi, S. Z., & Mianabadi, H. (2020). Nexus approach in hydropolitics of transboundary rivers. *Iranian Journal of Ecohydrology*, 7(3), 757-773. (in Persian). <https://doi.org/10.22059/ije.2020.301473.1319>
 16. Bazrkar, M. H., Nabavi, E., Zamani, N., & Eslamian, S. (2013). System dynamic approach to hydro-politics in Hirmand transboundary river basin from sustainability perspective. *International Journal of Hydrology Science and Technology*, 3(4), 378. <https://doi.org/10.1504/IJHST.2013.060338>
 17. Belinskij, A. (2015). Water-Energy-Food nexus within the framework of international water law. *Water*, 7(10), 5396-5415. <https://doi.org/10.3390/w7105396>
 41. Economic interdependence
 42. Strategic interdependence
 43. Integrated interdependence
 ۴۴. به‌طور کلی، سه‌نوع سیستم ساده (Simple)، پیچیده (Complicated) و درهم‌تنیده (Complex) وجود دارد که سیستم‌های مدیریت منابع آب در زمره سیستم‌های درهم‌تنیده با ویژگی‌های انطباقی و نوظهوری تعاملات انسانی-طبیعی قرار می‌گیرد. مسائل بروزیافته در سیستم‌های مذکور وابسته به جنس سیستم نیز می‌توانند ساده، پیچیده و درهم‌تنیده باشند (Mianabadi, 2016; Susskind & Islam, 2012).
 45. Water market
 46. Virtual water
 47. Blue peace
 48. Graph model for conflict resolution (GMCR)
 49. Water bankruptcy
 50. Water-Food-Energy (WEF) nexus

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان وجود ندارد.

منابع

1. Abdullaev, I., & Rakhmatullaev, S. (2016). Setting up the agenda for water reforms in Central Asia: Does the nexus approach help? *Environmental Earth Sciences*, 75(10), 870. <https://doi.org/10.1007/s12665-016-5409-8>
2. Abrams, P. (1988). Notes on the Difficulty of Studying the State (1977). *Journal of Historical Sociology*, 1(1), 58-89. <https://doi.org/10.1111/j.1467-6443.1988.tb00004.x>
3. Ahmadi, A., Zolfagharipoor, M. A., & Ebrahimi, B. (2019). Challenges and considerations of regional water market rights, a case study: Isfahan-Borkhar Plain. *Iran- Water Resources Research*, 14(5), 137-148. (in Persian).
4. Aiyede, E. R. (2006). *Theories in conflict management* (1st ed.). National Open University of Nigeria. <http://www.nou.edu.ng/>
5. Alemu, S., & Dinar, A. (2000). The process of negotiation over international water disputes: The case of the Nile Basin. *International Negotiation*, 5(2), 331-356. <https://doi.org/10.1163/15718060020848794>
6. Allan, J. A. (1997). "Virtual water": A long

18. Bell, C. (2006). Human rights, peace agreements and conflict resolution: Negotiating justice in Northern Ireland. In J. Hesling & J. Mertus (Eds.), *Human Rights and Conflict: Exploring Links Between Rights, Law and Peacebuilding* (pp. 345–376). United States Institute of Peace.
19. Berends, P., & Romme, G. (1999). Simulation as a research tool in management studies. *European Management Journal*, 17(6), 576–583. [https://doi.org/10.1016/S0263-2373\(99\)00048-1](https://doi.org/10.1016/S0263-2373(99)00048-1)
20. Beriker, N. (2008). Conflict resolution: The missing link between liberal international relations theory and realistic practice. In D. J.D. Sandole, S. Byrne, I. Sandole-Statoste, & J. Senehi (Eds.), *Handbook of conflict analysis and resolution*. Routledge.
21. Böhmelt, T., Bernauer, T., Buhaug, H., Gleditsch, N. P., Tribaldos, T., & Wischnath, G. (2014). Demand, supply, and restraint: Determinants of domestic water conflict and cooperation. *Global Environmental Change*, 29, 337-348. <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2013.11.018>
22. Bond, C. J. (2014). Positive peace and sustainability in the mining context: Beyond the triple bottom line. *Journal of Cleaner Production*, 84, 164-173. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2014.01.033>
23. Braddon, D. (2012). The role of economic interdependence in the origins and resolution of conflict. *Revue d'économie Politique*, 122(2), 299. <https://doi.org/10.3917/redp.218.0299>
24. Brahm, E. (2003). *Latent conflict stage* (G. Burgess & H. Burgess (Eds.)). Beyond intractability. Conflict Information Consortium; University of Colorado. https://www.beyondintractability.org/essay/conflict_stages
25. Burton, J. (Ed.). (1990). *Conflict: Human needs theory*. Palgrave Macmillan UK. <https://doi.org/10.1007/978-1-349-21000-8>
26. Burton, J., & Dukes, F. (1990). *Conflict: practices in management, settlement, and resolution* (Vol. 4). Palgrave Macmillan.
27. Byrne, S., Carter, N., & Senehi, J. (2002). Introduction to social cubism: Toward a multidimensional model. *ILSA Journal of International and Comparative Law*, 8(3).
28. Cali, M. (2014). *Trading away from conflict: Using trade to increase resilience in fragile states*. The World Bank. <https://doi.org/10.1596/978-1-4648-0308-6>
29. Cernea, M. M. (2008). Compensation and benefit sharing: Why resettlement policies and practices must be reformed. *Water Science and Engineering*, 1(1), 89-120. [https://doi.org/10.1016/S1674-2370\(15\)30021-1](https://doi.org/10.1016/S1674-2370(15)30021-1)
30. Choi, J. Y. (2015). Rationality, norms and identity in international relations. *International Politics*, 52(1), 110-127.
31. Clapham, C. (1998). Rwanda: The perils of peacemaking. *Journal of Peace Research*, 35(2), 193-210. <https://doi.org/10.1177/0022343398035002003>
32. Coase, R. H. (1960). The problem of social cost. *The Journal of Law and Economics*, 3, 1-44. <https://doi.org/10.1086/466560>
33. Cuppen, E. (2012). Diversity and constructive conflict in stakeholder dialogue: Considerations for design and methods. *Policy Sciences*, 45(1), 23-46. <https://doi.org/10.1007/s11077-011-9141-7>
34. Danilovic, V., & Clare, J. (2007). The Kantian liberal peace (Revisited). *American Journal of Political Science*, 51(2), 397-414. <https://doi.org/10.1111/j.1540-5907.2007.00258.x>
35. Daoudy, M. (2007). Benefit-sharing as a tool of conflict transformation: Applying the Inter-SEDE model to the Euphrates and Tigris River basins. *The Economics of Peace and Security Journal*, 2(2), <https://doi.org/10.15355/epsj.2.2.26>
36. Darbandsari, P., Kerachian, R., Malakpour-Estalaki, S., & Khorasani, H. (2020). An agent-based conflict resolution model for urban water resources management. *Sustainable Cities and Society*, 57(March), 102112. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2020.102112>
37. Degefu, D. M., & He, W. (2016). Water bankruptcy in the mighty Nile River Basin. *Sustainable Water Resources Management*, 2(1), 29-37. <https://doi.org/10.1007/s40899-015-0035-2>
38. Dehghani Firouzabadi, S. J. (2003). Evolution of conflict and cooperation in international relations. *Law of Politics*, 5(8), 73-116. (in Persian).
39. Dehghani Firouzabadi, S. J., & Jafari, H. (2022). Criticism of the ontological premises of Neo-Liberal Institutionalism. *Research in Theoretical Politics*, 16(30), 29-56. (in Persian).
40. Department de Justicia. (2014). *Conflict mapping. Theory and methodology. Practical application in juvenile justice*. Generalitat de Catalunya. https://justicia.gencat.cat/web/.content/home/department/publicacions/publicacions_per_temes/execucio_penal_i_justicia_juvenil/pg11_conflict_mapping_jj.pdf

41. Deutsch, M. (1973). *The resolution of conflict: Constructive and destructive processes*. Yale University Press.
42. Deylami, B. (2021). Improving social capital, a Solution to manage water conflicts. *8th Peace and Conflict Resolution Conference; PCRConference Proceedings 2021*, 62-64. <https://doi.org/10.52987/pcrc.2021.007>
43. Deylami, B., Mianabadi, H., & Ghorbani, A. (2021). Dealing with uncertainty in water systems management. *Iran- Water Resources Research*, 17(3), 378-397. (in Persian).
44. Dinar, A., Dinar, S., McCaffrey, S., & McKinney, D. (Eds.). (2007). Hydropolitics and international relations. In *Bridges over water: understanding transboundary water conflict, negotiation and cooperation* (2nd ed., pp. 138-158). world Scientific. https://doi.org/10.1142/9789812790934_0007
45. Dinar, A., & Lee, D. J. (1999). *Review of integrated approaches to river basin planning, development, and management* (Policy Research Working Papers). The World Bank. <https://doi.org/10.1596/1813-9450-1446>
46. Dinar, A., & Nigatu, G. S. (2013). Distributional considerations of international water resources under externality: The case of Ethiopia, Sudan and Egypt on the Blue Nile. *Water Resources and Economics*, 2-3, 1-16. <https://doi.org/10.1016/j.wre.2013.07.001>
47. Dinar, S. (2000). Negotiations and International Relations: A framework for hydropolitics. *International Negotiation*, 5(2), 375-407. <https://doi.org/10.1163/15718060020848712>
48. du Plessis, A. (2017). Global water scarcity and possible conflicts. In *Freshwater challenges of South Africa and its Upper Vaal River* (pp. 45-62). Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-319-49502-6_3
49. Dugan, M. A. (1996). A nested theory of conflict. *A Leadership Journal: Women in Leadership - Sharing the Vision*, 9-20.
50. Eckstein, G. (2009). Water scarcity, conflict, and security in a climate change world: Challenges and opportunities for international law and policy. *Wisconsin International Law Journal*, 27, 409-461.
51. Elhance, A. P. (1999). *Hydropolitics in the Third World: Conflict and cooperation in international river basins*. US Institute of Peace Press.
52. Elhance, A. P. (2000). Hydropolitics: Grounds for despair, reasons for hope. *International Negotiation*, 5(2), 201-222. <https://doi.org/10.1163/15718060020848730>
53. Esmaeili, A. (2016). *Fair allocation of water resources in Zayandehrud basin using game theory*. Master's Thesis, Department of Agriculture and Natural Resources, University of Shahrekord. (in Persian).
54. Essenfelder, A. H., Pérez-Blanco, C. D., & Mayer, A. S. (2018). Rationalizing systems analysis for the evaluation of adaptation strategies in complex human-water systems. *Earth's Future*, 6(9), 1181-1206. <https://doi.org/10.1029/2018EF000826>
55. Ettehad, E. (2010). *Hydropolitics in Hirmand / Helmand international river basin and application of integrated water resource management*. Swedish University of Agriculture Sciences.
56. Fang, L., Hipel, K. W., & Kilgour, D. M. (1993). *Interactive decision making: The graph model for conflict resolution*. Wiley.
57. Farajzade Arnesa, M. (2019). *Analytical conflict mapping in the complex water system of Urmia Lake Basin*. Master's Thesis, Department of Water Resources Engineering and Management, Tarbiat Modares University. (In Persian).
58. Farajzade Arnesa, M., Mianabadi, H., & Ali. (2020). Rethinking of concepts and approaches to confront water conflicts. *Iran- Water Resources Research*, 16(4), 205-244. (in persian).
59. Faris, M. R., Al-mohseen, K. A., & Hipel, K. W. (2016). Conflict resolution in the Euphrates River dispute using the graph model for conflict resolution. *Academic Journal of Science*, 06(01), 295-306.
60. Farmer, P. E. (2004). An anthropology of structural violence. *Current Anthropology*, 45(3), 305-325. <https://doi.org/10.1086/382250>
61. Fisher, S., Abdi, D. I., Ludin, J., Smith, R., Williams, S., & Williams, S. (2001). *Working with conflict: Skills and strategies for action*. Palgrave Macmillan.
62. Foley, D. K. (2004). Rationality and ideology in economics. *Social Research: An International Quarterly*, 71, 329-342.
63. Friedman, M. (1953). *Essays in positive economics* (p. 43). The University of Chicago Press.
64. Gallo, G. (2013). Conflict theory, complexity and systems approach. *Systems Research and Behavioral Science*, 30(2), 156-175. <https://doi.org/10.1002/sres.2132>
65. Galtung, J. (1979). *The basic needs approach*. University of Oslo. [https://www.transcend.org/galtung/papers/The Basic Needs Approach.pdf](https://www.transcend.org/galtung/papers/The%20Basic%20Needs%20Approach.pdf)

66. Galtung, J. (1990). Cultural violence. *Journal of Peace Research*, 27(3), 291-305. <https://doi.org/10.1177/0022343390027003005>
67. Galtung, J. (1996a). *Peace and conflict, development and civilization*. London: SAGE Publications.
68. Galtung, J. (1996b). *Peace by peaceful means: Peace and conflict, development and civilization* (1st ed.). SAGE Publications Ltd. <https://doi.org/10.4135/9781446221631>
69. Galtung, J. (2004). *Transcend and transform: An introduction to conflict work*. Pluto Press.
70. Galtung, J. (2009). *Theories of conflict: Definitions, dimensions, negations, formations*. Transcend.
71. Geressu, R. T., & Harou, J. J. (2015). Screening reservoir systems by considering the efficient trade-offs-informing infrastructure investment decisions on the Blue Nile. *Environmental Research Letters*, 10(12), 125008. <https://doi.org/10.1088/1748-9326/10/12/125008>
72. Ghasemian, A. (2014). *Analysis of Zayandehrud water conflict in Isfahan using game theory*. Master's Thesis, Faculty of Environment, University of Tehran. (in Persian).
73. Ghorbani Nezhad, R., Hafeznia, M. R., Ahmadypour, Z., & Ghavam, A. (2014). The study of the conflict in the theories of international relations and geopolitics. *Strategy*, 23(70), 265-291. (in Persian).
74. Ghoreishi, S. Z., Mianabadi, H., & Mousavi Shafae, S. M. (2019). The role of power in water diplomacy. *Iran- Water Resources Research*, 15(2), 242-264. (in Persian).
75. Grey, D., & Sadoff, C. W. (2003). Beyond the river: The benefits of cooperation on international rivers. *Water Science and Technology*, 47(6), 91-96. <https://doi.org/10.2166/wst.2003.0365>
76. Gulati, R., & Singh, H. (1998). The architecture of cooperation: Managing coordination costs and appropriation concerns in strategic alliances. *Administrative Science Quarterly*, 43(4), 781-814.
77. Gutiérrez, W. A., & Mila, A. L. (2007). A rapid technique for determination of races of phytophthora nicotianae on Tobacco. *Plant Disease*, 91(8), 985-989. <https://doi.org/10.1094/PDIS-91-8-0985>
78. Hackett, S., & Dissanayake, S. T. M. (2014). *Environmental and natural resources economics: Theory, policy, and the sustainable society*. Routledge.
79. Haddadin, M. J. (2001). Water scarcity impacts and potential conflicts in the MENA region. *Water International*, 26(4), 460-470. <https://doi.org/10.1080/02508060108686947>
80. Hamidi, M., Liao, H., & Szidarovszky, F. (2016). Non-cooperative and cooperative game-theoretic models for usage-based lease contracts. *European Journal of Operational Research*, 255(1), 163-174. <https://doi.org/10.1016/j.ejor.2016.04.064>
81. Heide, J. B. (1994). Interorganizational governance in marketing channels. *Journal of Marketing*, 58(1), 71. <https://doi.org/10.2307/1252252>
82. Herrero, C., & Villar, A. (2001). The three musketeers: four classical solutions to bankruptcy problems. *Mathematical Social Sciences*, 42(3), 307-328. [https://doi.org/10.1016/S0165-4896\(01\)00075-0](https://doi.org/10.1016/S0165-4896(01)00075-0)
83. Heywood, A. (2011). *Global politics* (1st ed.). Palgrave Macmillan.
84. Hirshleifer, J. (1989). Conflict and settlement. In *Game theory* (pp. 86-94). Palgrave Macmillan UK. https://doi.org/10.1007/978-1-349-20181-5_6
85. Hoekstra, A. Y., & Hung, P. (2002). *Virtual water flows between nations in relation to international crop trade* (No. 11; Value of Water Research Report Series). IHE Delft Institute for Water Education.
86. Hussein, A. F. F., & Al-Mamary, Y. H. S. (2019). Conflicts: their types, and their negative and positive effects on organizations. *International Journal of Scientific and Technology Research*, 8(8), 10-13.
87. Ide, T., & Detges, A. (2018). International Water Cooperation and Environmental Peacemaking. *Global Environmental Politics*, 18(4), 63-84. https://doi.org/10.1162/glep_a_00478
88. İlhan, A. (2009). *Social movements in sustainability transitions (identity, social learning & power in the Spanish and Turkish water domains)*. Universitat Autònoma de Barcelona.
89. Isard, W. (1992). *Understanding conflict and the science of peace*. Blackwell.
90. Islam, S., & Susskind, L. (2018). Using complexity science and negotiation theory to resolve boundary-crossing water issues. *Journal of Hydrology*, 562(May), 589-598. <https://doi.org/10.1016/j.jhydrol.2018.04.020>
91. Jalili Kamju, S. P., & Khochiani, R. (2020). Application of the bankruptcy theory and conflicting claims on water resources allocation of Zayanderud. *Journal of Research in Economic*

- Modeling*, 10(39), 45-80. (in Persian). <https://doi.org/10.29252/jemr.10.39.45>
92. Jalili Kamju, S. P., & Khoshakhlagh, R. (2016). Using the game theory in optimal allocation of water in Zayandehrud. *Journal of Applied Economics Studies in Iran*, 5(18), 53-80. (in Persian). <https://doi.org/10.22084/aes.2016.1494>
93. Johnson, D. P. (2008). Social exchange and rational choice at the micro level: Looking out for #1. In *Contemporary Sociological Theory* (pp. 165-193). Springer New York. https://doi.org/10.1007/978-0-387-76522-8_7
94. Jones, B. T., & Metzger, S. K. (2016). Conflict dynamics. In *Global encyclopedia of public administration, public policy, and governance* (pp. 1-8). Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-319-31816-5_2548-1
95. Kadera, K. M., Crescenzi, M., & Zinnes, D. A. (2020). Richardson and the study of dynamic conflict processes. In N. P. Gleditsch (Ed.), *Lewis Fry Richardson: His intellectual legacy and influence in the social sciences* (pp. 45-56). Springer Nature. https://doi.org/10.1007/978-3-030-31589-4_5
96. Karim, S. (2020). *Transboundary water cooperation between Bangladesh and India in the Ganges River Basin: Exploring a benefit-sharing approach*. Master thesis in Sustainable Development, Department of Earth Sciences, Uppsala Universitet, Sweden.
97. Kegley, C. W., & Raymond, G. A. (1982). Alliance norms and war: A new piece in an old puzzle. *International Studies Quarterly*, 26(4), 572. <https://doi.org/10.2307/3013963>
98. Keith, B., Enos, J., Garlick, C. B., Simmons, G., Copeland, D., & Cortizo, M. (2013). Limits to population growth and water resource adequacy in the Nile River Basin, 1994-2100. *Proceedings of the 31st International Conference of the System Dynamics Society*, July.
99. Keohane, R. O., & Martin, L. L. (1995). The promise of institutionalist theory. *International Security*, 20(1), 39-51. <https://doi.org/10.2307/2539214>
100. Keohane, R. O., & Nye, J. S. (2011). *Power and interdependence* (4th ed.). Pearson.
101. Keshk, O. M. G., Pollins, B. M., & Reuveny, R. (2004). Trade still follows the flag: The primacy of politics in a simultaneous model of interdependence and armed conflict. *The Journal of Politics*, 66(4), 1155-1179. <https://doi.org/10.1111/j.0022-3816.2004.00294.x>
102. Kibaroglu, A., & Gürsoy, S. I. (2015). Water-energy-food nexus in a transboundary context: the Euphrates-Tigris River Basin as a case study. *Water International*, 40(5-6), 824-838. <https://doi.org/10.1080/02508060.2015.1078577>
103. Kriesberg, L. (1997). The development of the conflict resolution field. In W. I. Zartman & L. J. Rasmussen (Eds.), *Peacemaking in international conflict: Methods and techniques* (pp. 51-77). United States Institute of Peace Press.
104. Kriesberg, L., Northrup, T. A., & Thorson, S. J. (Eds.). (1989). *Intractable conflicts and their transformation* (1st ed.). Syracuse University Press.
105. Lederach, J. P. (1995). *Preparing for peace: Conflict transformation across cultures*. Syracuse University Press.
106. Lederach, J. P. (1997). *Building peace: sustainable reconciliation in divided societies*. United States Institute of Peace Press.
107. Lederach, J. P. (1998). Beyond violence: Building sustainable peace. In E. Weiner (Ed.), *The handbook of interethnic coexistence*. Abraham Fund Publication.
108. Lederach, J. P. (2003). *Little book of conflict transformation: Clear articulation of the guiding principles by a pioneer in the field* (Original). Good Books.
109. Loadenthal, M. (2018). Structural conflict, systemic violence, and peace: A guided reading. In C. P. Peterson, W. M. Knoblauch, & M. Loadenthal (Eds.), *The Routledge history of world peace since 1750* (pp. 70-84). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315157344-5>
110. Loucks, D. P., & van Beek, E. (2017). *Water resource systems planning and management: An introduction to methods, models, and applications*. Springer International Publishing. <https://doi.org/10.1007/978-3-319-44234-1>
111. Lyamouri-Bajja, N., Genneby, N., Markosyan, R., & Ohana, Y. (2002). Youth transforming conflict. In Y. Ohana (Ed.), *Council of Europe Publishing*.
112. Mackinlay, J., & Chopra, J. (1992). Second generation multinational operations. *The Washington Quarterly*, 15(3), 113-131. <https://doi.org/10.1080/01636609209550110>
113. Madani, K. (2010). Game theory and water resources. *Journal of Hydrology*, 381(3-4), 225-238. <https://doi.org/10.1016/j.jhydrol.2009.11.045>
114. Madani, K., & Lund, J. R. (2011). A Monte-Carlo game theoretic approach for multi-criteria decision making under uncertainty. *Advances in Water Resources*, 34(5), 607-616.

- <https://doi.org/10.1016/j.advwatres.2011.02.009>
115. Madani, K., Rheinheimer, D., Elimam, L., & Connell-Buck, C. (2011). A game theory approach to understanding the Nile River Basin conflict. In K. M. Persson (Ed.), "A Water Resource" *Festschrift in honor of Professor Lars Bengtsson* (Issue January, pp. 97-114). Lund University.
116. Malcolm, D. G. (1958). System simulation-a fundamental tool for industrial engineering. *Journal of Industrial Engineering*, 9(177), 95.
117. Malik, T. (2019). Pak-Afghan water issue: A case for benefit-sharing. *Policy Perspectives*, 16(1), 77. <https://doi.org/10.13169/polipers.16.1.0077>
118. Mansfield, E. D., & Pollins, B. M. (2001). The study of interdependence and conflict. *Journal of Conflict Resolution*, 45(6), 834-859. <https://doi.org/10.1177/0022002701045006007>
119. Mansfield, E. D., & Pollins, B. M. (2003). Interdependence and conflict: An introduction. In E. D. Mansfield & L. L. Martin (Eds.), *Economic interdependence and international conflict: new perspectives on an enduring debate* (pp. 1-28). University of Michigan Press.
120. Maoz, Z. (2009). The effects of strategic and economic interdependence on international conflict across levels of analysis. *American Journal of Political Science*, 53(1), 223-240. <https://doi.org/10.1111/j.1540-5907.2008.00367.x>
121. Matousek, J., & Gärtner, B. (2007). *Understanding and using linear programming* (1st ed.). Springer Berlin Heidelberg. <https://doi.org/10.1007/978-3-540-30717-4>
122. McDonald, P. J. (2004). Peace through trade or free trade? *The Journal of Conflict Resolution*, 48(4), 547-572. <http://www.jstor.org/stable/4149808>
123. McMillan, S. M. (1997). Interdependence and conflict. *Mershon International Studies Review*, 41(1), 33. <https://doi.org/10.2307/222802>
124. Merchant, C. (2015). *Autonomous nature* (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315680002>
125. Miall, H. (2004). Conflict transformation: A multi-dimensional task. In A. Austin, M. Fischer, & N. Ropers (Eds.), *Transforming ethnopolitical conflict* (pp. 67-89). VS Verlag für Sozialwissenschaften. https://doi.org/10.1007/978-3-663-05642-3_4
126. Mianabadi, H. (2016). *Hydropolitics and conflict management in transboundary river basins* [Doctoral dissertation, Delft University of Technology, Netherland]. <https://doi.org/10.4233/uuid:4f913696-e6f0-4053-afdb-e8409b64a01e>
127. Mianabadi, H., Mostert, E., & van de Giesen, N. (2015). Trans-boundary river basin management: Factors influencing the success or failure of international agreements. In *Conflict Resolution in Water Resources and Environmental Management* (pp. 133-143). Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-319-14215-9_7
128. Mianabadi, H., Mostert, E., Zarghami, M., & van de Giesen, N. (2014). A new bankruptcy method for conflict resolution in water resources allocation. *Journal of Environmental Management*, 144, 152-159. <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2014.05.018>
129. Mianabadi, H., Mostert, E., Zarghami, M., & Van de Giesen, N. (2013). Transboundary water resources allocation using bankruptcy theory; Case study of Euphrates and Tigris Rivers. *Transboundary Water Management across Borders and Interfaces: Present and Future Challenges*, March. <http://ibtwm.web.ua.pt/congress/>
130. Michel, D. (2020). Water conflict pathways and peacebuilding strategies. In *Peace Works* (Issue 164).
131. Mirhashemi Dehkordi, S. S., Jafari, M., & Mianabadi, H. (2021b). The new generations to deal with water conflict. *STREAMS: Transformative Environmental Humanities*.
132. Mirhashemi Dehkordi, S. S., & Mianabadi, H. (2021). Game theory and dealing with water conflict. *PCR Conference Proceedings 2021*, 44-44. <https://doi.org/10.52987/pcr.2021.005>
133. Mirhashemi Dehkordi, S. S., Mianabadi, H., & Hajiani, E. (2021a). Social identity and the construction of conflicts in water resource system. *Iran-Water Resources Research*, 17(3), 198-214. (In Persian).
134. Mirhashemi Dehkordi, S. S., Mianabadi, H., Hajiani, E., & Dehghani Firouzabadi, S. J. (2022). Blue peace: from idea to reality. *Journal of Water and Irrigation Management*, 11(4), 967-986. (in Persian). <https://doi.org/10.22059/jwim.2022.335568.948>
135. Montazar, A. A., Zadbagher, E., & Heydari, N. (2009). An assessment model for the virtual water of irrigation networks using analytical hierarchy process. *Journal of Water and Soil*, 23(4), 77-89. (in Persian). <https://doi.org/10.22067/jsw.v0i0.2470>
136. Mosello, B. (2008). Water in Central Asia: A prospect of conflict or cooperation? *Journal of Public & International Affairs*, 19(1), 151-174.
137. Müller, H. J., & Dieng, R. (Eds.). (2000).

- Computational conflicts*. Springer Berlin Heidelberg. <https://doi.org/10.1007/978-3-642-56980-7>
138. Myerson, R. B. (1997). *Game theory: Analysis of conflict*. Harvard university press.
139. Naghdi, S., Bozorg-Haddad, O., Khorsandi, M., & Chu, X. (2021). Multi-objective optimization for allocation of surface water and groundwater resources. *Science of The Total Environment*, 776, 146026. <https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2021.146026>
140. Nagheby, M. (2021). *Anarchy and the law of international watercourses: Unpacking the role of equitable and reasonable utilisation principle in the pursuit of water conflict transformation* [Diploma thesis, Northumbria University]. <http://nrl.northumbria.ac.uk/id/eprint/47380>
141. Nigatu, G. S., & Dinar, A. (2011). *Modeling efficiency, equity and externality in the Eastern Nile River basin*. http://wspc.ucr.edu/working_papers/WSPC_W_P_02_0611_Modeling
142. Oliva, F., & Charbonnier, L. (2016). *Conflict analysis handbook: A field and headquarter guide to conflict assessments*. United Nations System Staff College.
143. Oneal, J. R., & Russett, B. (1999). The Kantian peace: The pacific benefits of democracy, interdependence, and international organizations, 1885–1992. *World Politics*, 52(1), 1-37. <https://doi.org/10.1017/S0043887100020013>
144. Oneal, J. R., & Russett, B. M. (1997). The classical liberals were right: Democracy, interdependence, and conflict, 1950-1985. *International Studies Quarterly*, 41(2), 267-294. <https://doi.org/10.1111/1468-2478.00042>
145. Parks, L. (2020). *Benefit-sharing in environmental governance: Local experiences of a global concept* (1st ed.). Routledge.
146. Parlevliet, M. (2009). *Rethinking conflict transformation from a human rights perspective* (Issue 9). Berghof Research Center for Constructive Conflict Management.
147. Petersen-Perlman, J. D., Veilleux, J. C., & Wolf, A. T. (2017). International water conflict and cooperation: Challenges and opportunities. *Water International*, 42(2), 105-120. <https://doi.org/10.1080/02508060.2017.1276041>
148. Philips, D., & Woodhouse, M. (2009). *Transboundary benefit sharing framework: Training manual (Version 1)*. Prepared for Benefit Sharing Training Workshop.
149. Pouligny, B. (2006). *Peacekeeping seen from below: UN missions and local people*. Hurst.
150. Pourkazemi, M. H., & Vali, M. (2014). Application of game theory for water resources management between industry and agriculture sectors in Isfahan Province (The case of: Zayande-Rud River). *The Journal of Economic Modeling Research*, 4(15), 1-42. (in Persian). <http://jemr.khu.ac.ir/article-1-559-en.html>
151. Pruitt, D. G., Rubin, J. Z., & Kim, S. H. (2003). *Social conflict: Escalation, stalemate, and settlement* (3rd ed.). McGraw-Hill Education.
152. Rapoport, A. (Ed.). (1974). *Game theory as a theory of a conflict resolution* (Vol. 2). Springer Netherlands. <https://doi.org/10.1007/978-94-010-2161-6>
153. Reed, P. M., & Kasprzyk, J. (2009). Water resources management: The myth, the wicked, and the future. *Journal of Water Resources Planning and Management*, 135(6), 411-413. [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)WR.1943-5452.0000047](https://doi.org/10.1061/(ASCE)WR.1943-5452.0000047)
154. Reimer, L. E., Schmitz, C. L., Janke, E. M., Askerov, A., Strahl, B. T., & Matyók, T. G. (2015). *Transformative change: An introduction to peace and conflict studies*. Lexington Books.
155. Richmond, O. P. (2001). A genealogy of peacemaking: The creation and re-creation of order. *Alternatives: Global, Local, Political*, 26(3), 317-348. <https://doi.org/10.1177/030437540102600304>
156. Richmond, O. P. (2002). *Maintaining order, making peace*. Palgrave Macmillan UK. <https://doi.org/10.1057/9780230289048>
157. Richmond, O. P. (Ed.). (2010). *Palgrave advances in peacebuilding*. Palgrave Macmillan UK. <https://doi.org/10.1057/9780230282681>
158. Robbins, S. P. (1978). "Conflict management" and "conflict resolution" are not synonymous terms. *California Management Review*, 21(2), 67-75. <https://doi.org/10.2307/41164809>
159. Rogers, P. P., & Fiering, M. B. (1986). Use of systems analysis in water management. *Water Resources Research*, 22(9S), 146S-158S. <https://doi.org/10.1029/WR022i09Sp0146S>
160. Rosenberg, D. E., & Madani, K. (2014). Water resources systems analysis: A bright past and a challenging but promising future. *Journal of Water Resources Planning and Management*, 140(4), 407-409. [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)WR.1943-5452.0000414](https://doi.org/10.1061/(ASCE)WR.1943-5452.0000414)
161. Rothman, J. (Ed.). (2012). *From identity-based conflict to identity-based cooperation*. Springer New York. <https://doi.org/10.1007/978-1-4614-3679-9>

162. Rubenstein, R. E. (2017). *Resolving structural conflicts*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315665764>
163. Rummel, R. J. (1981). Understanding conflict and war: vol 5: the just peace. In *SAGE Publications*.
164. Salmoral, G., Schaap, N. C. E., Walschebauer, J., & Alhajaj, A. (2019). Water diplomacy and nexus governance in a transboundary context: In the search for complementarities. *Science of The Total Environment*, 690, 85-96. <https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2019.06.513>
165. Sandole, D. (1998). A comprehensive mapping of conflict and conflict Resolution: A three pillar approach. *Peace and Conflict Studies*, 5(2), 1-30. <https://doi.org/10.46743/1082-7307/1998.1389>
166. Sandole, D., Byrne, S., Sandole-Staroste, I., & Senehi, J. (2009). Handbook of conflict analysis and resolution. *Choice Reviews Online*, 46(12), 46-7056-46-7056. <https://doi.org/10.5860/CHOICE.46-7056>
167. Satari Ghahfarokhi, M. (2011). *Modeling of agricultural water market in Zayandehrud River Basin*. Master's Thesis, Department of Agriculture, Zabol University. (in Persian).
168. Schmid, H. (1968). Peace research and politics. *Journal of Peace Research*, 5(3), 217-232. <https://doi.org/10.1177/002234336800500301>
169. Schmidt, B. (2002). On the history and historiography of international relations. In W. Carlsnaes, T. Risse, & B. A. Simmons (Eds.), *Handbook of international relations* (pp. 3-22). SAGE Publications Ltd. <https://doi.org/10.4135/9781848608290.n1>
170. Shearer, D. (1997). Exploring the limits of consent: Conflict resolution in Sierra Leone. *Millennium*, 26(3), 845-860.
171. Shiraev, E., & Zubok, V. (2019). *International relations* (3rd ed.). Oxford University Press.
172. Sidlo, K. W. (2021). *What does the literature tell us on the relationship between economic interdependence and conflict management? An overview with a focus on the MENA Region* (No. 1483; ERF Working Papers Series, Issue 1483).
173. Soliev, I., & Theesfeld, I. (2020). Benefit sharing for solving transboundary commons dilemma in Central Asia. *International Journal of the Commons*, 14(1), 61-77. <https://doi.org/10.5334/ijc.955>
174. Soliev, I., Wegerich, K., & Kazbekov, J. (2015). The costs of benefit sharing: Historical and institutional analysis of shared water development in the Ferghana Valley, the Syr Darya Basin. *Water*, 7(12), 2728-2752. <https://doi.org/10.3390/w7062728>
175. Soubeyran, A., & Tomini, A. (2012). Water shortages and conflict. *Revue d'Economie Politique*, 122(2), 279-297. <https://doi.org/10.3917/redp.218.0279>
176. Sreenath, S. N., Vali, A. M., & Susiarjo, G. (2002). The Nile River problematique: An integrated look at the future of Egypt and Ethiopia. *Water International*, 27(4), 517-531. <https://doi.org/10.1080/02508060208687039>
177. Susskind, L., & Islam, S. (2012). Water Diplomacy: Creating value and building trust in transboundary water negotiations. *Science and Diplomacy*, 1(3). <http://www.sciencediplomacy.org/perspective/2012/water-diplomacy>
178. Swain, A. (2011). Challenges for water sharing in the Nile Basin: Changing geo-politics and changing climate. *Hydrological Sciences Journal*, 56(4), 687-702. <https://doi.org/10.1080/02626667.2011.577037>
179. Syll, L. P. (2018). Why game theory never will be anything but a footnote in the history of social science. *Real-World Economics Review*, 83, 45-64.
180. Tawfik, R. (2019). Beyond the river: Elite perceptions and regional cooperation in the Eastern Nile Basin. *Water Alternatives*, 12(2), 655-675.
181. Tayia, A. (2019). Transboundary water conflict resolution mechanisms: Substitutes or complements. *Water*, 11(7), 1337. <https://doi.org/10.3390/w11071337>
182. Tayia, A., & Madani, K. (2017). Resilient transboundary water management institutions. *World Environmental and Water Resources Congress 2017*, 618-627. <https://doi.org/10.1061/9780784480595.055>
183. The law Reform Commission. (2008). *Alternative dispute resolution* (LRC CP 50-2008). <https://www.lawreform.ie/>
184. Tietenberg, T., & Lewis, L. (2012). *Environmental and natural resource economics*. Pearson Education, Inc. <https://doi.org/10.4324/9781315208343>
185. Timmerman, J. G., Pahl-Wostl, C., & Moltgen, J. (2015). *The adaptiveness of IWRM: Analysing european IWRM research* (1st ed., Vol. 7, Issue 0). IWA Publishing. <https://doi.org/10.2166/9781780401911>
186. Turner, J. H. (2005). *Sociology*. Pearson.
187. Turner, R. S. (2008). *Neo-liberal ideology: History, concepts and policies*. Edinburgh University Press. <https://doi.org/10.3366/edinburgh/9780748632688.001.0001>

188. Unfried, K., Kis-katos, K., & Poser, T. (2021). Water scarcity and social conflicts. *IZA Institute of Labor Economics*, 14707.
189. Vafaiefard, A., Bagheri, A., Mianabadi, H., & Farajzade Arnesa, M. (2022). Mapping stakeholders and their relationships in the water-related conflicts between the capital city of tehran and the supplying catchments of drinking water. *Iran- Water Resources Research*, 17(4), 211-228. (in Persian). http://www.iwrr.ir/article_143948.html
190. von Koerber, J., Raber, W., & Schneider, P. (2021). Nexus-oriented approach for sharing water resources: Development of eco-industrial parks in the catchment of Zayandeh Rud River, Iran. In *A nexus approach for sustainable development* (pp. 203-221). Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-030-57530-4_13
191. Walker, W. E., Marchau, V. A. W. J., & Swanson, D. (2010). Addressing deep uncertainty using adaptive policies: Introduction to section 2. *Technological Forecasting and Social Change*, 77(6), 917-923. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2010.04.004>
192. Wallensteen, P. (2018). *Understanding conflict resolution* (3rd ed.). Sage.
193. Whittington, D., Waterbury, J., & McClelland, E. (1994). Toward a new Nile waters agreement. In A. Dinar & E. T. Loehman (Eds.), *Water quantity/quality management and conflict resolution* (pp. 167-178). Preager.
194. Wolf, A. T., Kramer, A., Carius, A., Dableko, G. D., & Wolf, A. T. (2005). Managing water conflict and cooperation. In M. Renner & L. Starke (Eds.), *State of the world: Redefining global security* (pp. 80-95). The Worldwatch Institute. <https://www.wilsoncenter.org/publication/water-conflict-and-cooperation>
195. Wright, Q. (1951). The nature of conflict. *Western Political Quarterly*, 4(2), 193-209. <https://doi.org/10.1177/106591295100400201>
196. Yadegari Khoozani, A. (2015). *Assessing required institutional structure to create the Zayandehrud water market*. Master's Thesis, Department of Agriculture, Isfahan University of Technology (IUY). (in Persian).
197. Yen, B. C. (2002). System and component uncertainties in water resources. In J. J. Bogardi & Z. W. Kundzewicz (Eds.), *Risk, reliability, uncertainty, and robustness of water resource systems* (pp. 133-142). Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511546006.015>
198. Yoffe, S. B., Wolf, A. T., & Giordano, M. (2003). Conflict and cooperation over international freshwater resources: Indicators of basins at risk. *Journal of the American Water Resources Association*. <https://doi.org/10.1111/j.1752-1688.2003.tb03696.x>
199. Yu, S., & Lu, H. (2018). An integrated model of water resources optimization allocation based on projection pursuit model – Grey wolf optimization method in a transboundary river basin. *Journal of Hydrology*, 559, 156-165. <https://doi.org/10.1016/j.jhydrol.2018.02.033>
200. Yuefang, D., Ali, S., & Bilal, H. (2021). Reforming benefit-sharing mechanisms for displaced populations: Evidence from the Ghazi Barotha hydropower project, Pakistan. *Journal of Refugee Studies*. <https://doi.org/10.1093/jrs/feab019>
201. Zarei, M. (2020). The water-energy-food nexus: A holistic approach for resource security in Iran, Iraq, and Turkey. *Water-Energy Nexus*, 3, 81-94. <https://doi.org/10.1016/j.wen.2020.05.004>
202. Zeitoun, M., Allan, J. A., & Mohieldeen, Y. (2010). Virtual water 'flows' of the Nile Basin, 1998-2004: A first approximation and implications for water security. *Global Environmental Change*, 20(2), 229-242. <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2009.11.003>
203. Zeitoun, M., & Mirumachi, N. (2008). Transboundary water interaction I: reconsidering conflict and cooperation. *International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics*, 8(4), 297-316. <https://doi.org/10.1007/s10784-008-9083-5>